

((آشنایی با عقاید اسلامی))

عقیده (۳)

(دوره متوسطه دوّم)

تدوین و تقدیم :

موسسه ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فهرست مطالب

۶	مقدمه
۷	شناخت آفریدگار جهان
۸	آیات خداوند در عالم موجودات
۸	آیات خداوند در خورشید
۱۰	آیات خداوند در عالم حشرات
۱۴	آیات خداوند در عالم پرندگان
۱۶	آیات خداوند در عالم حیوانات
۱۸	آیات خداوند در عالم انسانها
۲۱	دلیل فطرت
۲۳	واپسین سخن
۲۴	هدف از آفرینش جهان چیست؟
۲۵	هدف از آفرینش انسان چیست؟
۲۷	مفهوم کلی عبادت
۲۸	حوزه عبادت در اسلام

ایمان به فرشتگان

- ۳۳ طبیعت و سرشت فرشتگان
۳۴ تعداد فرشتگان
۳۴ اصناف فرشتگان و وظایف آنها
۳۷ ماموران و مراقبان آدمیان
۳۸ اثر ایمان به فرشتگان

وحی و نبوت

- ۴۰ نیاز مردمان به پیامبر
۴۰ پیامبر کیست ؟
۴۱ مهمترین وظایف پیامبران
۴۱ صفات اساسی برای حمل رسالت
۴۵ رهبری بی نظیر امت
۴۶ اخبار غیبی از زبان پیامبر
۴۸ شناخت پیامبران راستین
۴۹ وحی چیست ؟
۴۹ قرآن از زبان چه کسی شنیده شده است ؟

۵۲	اعجاز قرآن
۵۲	در زمینه ی علوم تجربی
۵۷	در زمینه ی بیان اخبار غیبی
۶۱	ایمان به آخرت
۶۲	مقدمه
۶۲	ایمان به آخرت
۶۳	مرگ
۶۴	فرشته مرگ
۶۵	احوال آدمیزاد پس از مرگ
۶۷	عذاب قبر
۶۸	عالم برزخ
۶۸	پایان عالم هستی
۶۹	علائم نزدیک بودن ساعت موعود
۶۹	فضل عبادت در آخر زمان
۷۰	علائم ساعت موعود
۷۴	وقوع ساعت موعود
۷۵	دمیدن در صور

۷۶	دمیدن در صور برای بار دوم
۷۷	حشر آدمیان
۷۸	نامهٔ اعمال
۸۱	آغاز محاکمه و محاسبه
۸۳	صفت میزان
۸۴	قصاص
۸۵	پل صراط
۸۵	ورود به دوزخ
۸۵	روز فصل و جدایی
۸۶	ورود نیکوکاران به بهشت
۸۸	حوضهای بهشت
۸۸	کاخها و اتاقهای بهشت
۸۹	درختان و میوه های بهشت
۹۱	غذاهای بهشت
۹۱	نوشابه های بهشت
۹۲	جواهرات و لباسهای بهشت
۹۲	کشاورزی در بهشت
۹۳	وسایط نقلیهٔ سواری

۹۳	بازار های بهشت
۹۴	آتش جهنّم
۹۵	طبقات دوزخ
۹۷	اوصاف دوزخ
۹۸	اوصاف اهل دوزخ
۱۰۰	غذا و نوشیدنیهای اهل دوزخ
۱۰۱	گفتگوی اهل بهشت و جهنّم
۱۰۲	استغاثه و استمداد اهل دوزخ
۱۰۴	خاتمه
۱۰۶	منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَاتَّبَاعِهِ أَجْمَعِينَ....

از مهمترین صفات بارز شخص مومن ، وجود عشق و محبت قلبی به همگان و رساندن پیام هدایت خداوند رحمان به آنان است. و نجات مردمان از ظلمت و گمراهی و هدایت به سوی نور و ایمان وظیفه ی اساسی خود می داند . لذا بر خود لازم دانستیم تا این مختصر را به نوجوانان عزیز تقدیم داریم .

هدف از تدوین این رساله ، آشنا کردن نوجوانان با عقاید اسلامی ، و رسوخ این عقیده در دل درون آنها است تا انسانی یکتا پرست بار آمده و با فطرت پاک اسلامی پرورش یابند . امید است مورد استفاده ی خوانندگان محترم واقع شده و ما را از دعای خیر خود محروم ننمایند .

موسسه ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

شناخت آفریدگار جهان

موجودات بسیاری در پیرامون ما وجود دارند ، گرچه یقین صد درصد به وجود آنها داریم ، اما هرگز آنها را بطور مستقیم با یکی از حواس پنجگانه (بینایی ، شنوایی ، چشایی ، بویایی و لامسه) احساس نکرده ایم از جمله آن موجودات :

۱- جریان الکتریسیته موجود در سیم ؛ که از طریق روشن شدن لامپ و به حرکت در آمدن پره های چرخ گوشت و پنکه و کولر و یا ایجاد حرارت در بخاری و سماور برقی و ... به وجود آن پی می بریم نه با دیدن مستقیم خودِ جریان الکتریسیته در سیم .

۲- نیروی حیات و جانِ موجود در جانداران : که از طریق فعالیتهای حیاتی همچون رشد و نمو و تولید مثل و ... به وجود آن پی می بریم و الاً با کالبد شکافی بدن موجودات زنده هرگز به چیزی به نام جان دست نخواهیم یافت .

۳- امواج صوتی و تصویری رادیو و تلویزیون ؛ که نه با برخورد آنها با بدن و یا دیدن مستقیم آنها با چشم ، بلکه از طریق دو دستگاه رادیو و تلویزیون به وجود آنها پی می بریم و احساس نکردن مستقیم آنها هرگز به معنی وجود نداشتن آنها در پیرامون ما نیست.

همچنانکه این موجودات را از روی آثار و نشانه هایشان می شناسیم ، باید خداوند را هم مانند اینگونه امور، از طریق آیات ، آثار و نشانه هایش شناخت و به او ایمان داشت ، نه از طریق مشاهده و به کمک حواس پنجگانه .

آیات و نشانه های خداوند درعالم موجودات

از میان آن همه آیات و نشانه های خداوند در عالم موجودات غیر زنده فقط به یک مورد بسنده می کنیم .

آیات و نشانه های خداوند در خورشید:

آفریدگار هستی ، خورشید را در راستای ادای وظیفه اش در ارتباط با تأمین گرما ، حرارت ، حیات و زندگی موجودات زنده به حرکت در آورده است ، بطوری که هرگز با سیارات و ستارگان دیگر برخورد نمی نماید و در فاصله ی معین و کاملاً مناسب با زمین قرار داده شده است . درحالی که میلیونها ستاره همچون خورشید در فضای بیکران هستی شناورند ، اما به علت دوری آنها هرگز گرما و حرارتشان به زمین نمی رسد و تنها نور تعداد محدودی از آنها با چشم برای زمینیان قابل دیدن است .

ستاره ی شعرای یمانی حجمش ۲۰ برابر و نورش ۵۰ برابر خورشید است و ستارهٔ سهیل بیش از هزار برابر بزرگتر از خورشید است در حالی که تنها نور آنها دیده می شود. با وجود این همه بعد مسافت در میان کواکب ، هرستاره در فاصله ی معین و مشخص با ستارگان دیگر قرار گرفته است و با سایر کواکب در ادای وظیفه ، سیر و حرکتش هماهنگ است . و اما آیات و نشانه هایی که با مطالعه ی خورشید ما را بسوی آفریننده ی دانا و حکیم راهنمایی می کنند عبارتند از :

- ۱- اگر برخلاف وضع موجود خورشید به زمین نزدیکتر می بود^(۱) گرما و حرارت زیاد خورشید همه چیز را به خاکستر تبدیل می نمود و اگر دورتر می بود همه منجمد می شدند .
- ۲- اگر بر خلاف وضع موجود طول شب و روز پنج برابر می شد در اثر شدت سرما شبها همه ی نباتات و موجودات زنده منجمد می شدند و در روزها هم در اثر شدت گرما همه چیز تبدیل به خاکستر می شد.
- ۳- اگر حرارت خورشید نصف می شد ، همگان منجمد می شدند و اگر دو برابر افزایش می یافت همگان خاکستر می شدند .

^۱- فاصله ی خورشید تا زمین ۱۵۰ میلیون کیلومتر است .

۴- اگر از میزان اشعه های مؤثر در عمل فتوسنتز (غذا سازی گیاهان) کاسته شود گیاهان قادر به غذاسازی نبوده و آفات شیوع می یابند ، و اگر بر شدت آنها افزوده شود ، مضر واقع شده و حیات موجودات زنده در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت ... همانا در گردش منظم ، پرتوافشانی مستمر ، دوری مسافت و اشعه های حیات بخش خورشید آیات بسیار روشن و آشکاری نهفته است که هر بیننده ای را به علم و قدرت و حکمت آفریدگار هستی رهنمون می شود .

آیات و نشانه های خداوند در عالم حشرات

از میان ۷۰۰۰۰۰ نوع حشره ی شناخته شده توسط دانشمندان ، فقط به اختصار نحوه ی زندگی **موریانه** را معرفی می نمائیم :

موریانه موجودی است که در زیر زمین و در جای نمناک زندگی می کند و در برابر آفتاب به علت نازکی پوست زود هلاک می شود و موجودی ناپیوست ، در حالی که خانه ی او از محکمترین خانه های روی زمین است و آن را با سیمانی می سازد که بمب های معمولی قادر به تخریب آن نمی باشند که گاهی ارتفاع این خانه ها به ۱۲ متر می رسد و بیشتر در افریقا و استرالیا

زندگی می کنند ، معمولاً در هر شهر(لانه) حدود دو میلیون موریانه به صورت اجتماعی باهم زندگی می کنند و نظم و تمدنی که در شهر آنها حاکم است در هیچ موجود متمدنی دیده نمی شود از جمله :

۱- کارگران : موریانه های نابینایی هستند که کار ساختن بنای شهر و مرمت آن به عهده ی آنها است . این موریانه ها خاک طبقات زیرین زمین را با آب دهان خود ترکیب می کنند و با آن محکمترین سیمان جهان را می سازند و ساختمان شهر را با آن بالا می برند .

۲- مأموران تهویه : با توجه به اینکه موریانه ها نمی توانند در دمای کمتر از ۳۰ درجه ی سانتیگراد و رطوبت ۹۸ تا ۹۹ درصد زندگی کنند ، بنابراین عده ای از موریانه ها از طریق کشیدن کانالها و شیوه های بسیار پیشرفته ی مهندسی ، مسئول تنظیم درجه حرارت و رطوبت و ثابت نگه داشتن و جلوگیری از نوسانات آن می باشند ، زیرا اگر مقدار رطوبت به اندازه ی چند درصد پایین بیاید در مدت ۵ الی ۱۰ ساعت موریانه ها خواهند مرد . آنها همچنین برای تنفس دو میلیون موریانه ی داخل شهر بایستی روزانه ۱۲۰۰ لیتر هوای تازه وارد شهر و ۲۴۰ گالن گازکربنیک خارج نمایند .

۳- مأمورین رفت و روب شهری : این عده کیسه ای در زیر شکم دارند که زباله ها را در آن جای می دهند همین که پر شد آن را در محیطی که مخصوص زباله دانی است ، می ریزند .

۴- شیمیدانها : این عده یک رشته اعمال شیمیایی روی زباله ها انجام می دهند و آن را به غذای مطبوع و مفید تبدیل می نمایند.

۵- مهندسين عمران : مهندسين نقشه ی شهر را طوری طراحی کرده اند که همه ی خیابانهای شهر به مرکز شهر که کاخ سلطنتی در آنجا واقع است وصل می شوند و خیابانهای پر رفت و آمد را به صورت دو طرفه طراحی کرده اند ، یکی برای رفت و دیگری مختص برگشت است . همچنین در بین راه گاراژهایی برای استراحت کارگران ترتیب داده اند .

۶- مأموران تغذیه : شهر مورخانه یگانه شهری است که غذا بطور مساوی میان همگان تقسیم می شود و هر مورخانه ای که گرسنه باشد مورخانه ی دیگر بلافاصله از غذایی که در معده دارد مقداری به او می دهد ، در نتیجه در جوار مورخانه های سیر مورخانه های گرسنه وجود ندارند و کشور آنها فقیر و ثروتمند ندارد .

مأمورین تغذیه می توانند با غذاهای خاصی که به ملکه می خوارانند نسل آینده را سرباز ، کارگر ، شاهزاده و یا حتی دارای بال و چشم نمایند .

۷- پرستاران : ملکه در فصل تخمگذاری در هر شبانه روز ۴۸۰۰۰ تخم می گذارد که کار نگه داری از تخم و نوزادان بر عهده ی این عده از موریانه ها می باشد .

۸- تشکیلات لشکری : این عده نگهبانان و مدافعان شهر در مقابل حملات احتمالی دشمن و بالاخص مورچه ها می باشند .

۹- پلیس : در شهر موریانه فرد تنبل ، بیکار و مریض نخواهی یافت ، چون مریض با پای خود به بخش گورستان می رود و در آنجا جان می سپارد و افراد تنبل هم توسط پلیس شهر دستگیر و اعدام می شوند ، و در واقع شهر موریانه یگانه شهری است که ولگرد ندارد .

راستی موریانه ها در کدام دانشکده ی افسری ، یا مهندسی ، علوم پایه ، حقوق و یا پرستاری آموزشهای لازم را دیده اند؟ و یا آن کدام استاد است که آنها را این چنین در راستای منافعشان ارشاد و راهنمایی کرده است؟! به یقین کسی جز الله ، آفریننده هستی نیست . و راستی کدام شخص عاقل و دانا است با دیدن این همه نشانه در عالم این حشرات ، در مقابل علم و تدبیر آفریننده هستی سر خضوع فرود نیاورد؟!

آیات و نشانه های خداوند در عالم پرندگان

باتوجه به انواع بیشمار پرندگان و دنیای شگفت انگیز آنها ، از عالم پرندگان یک نوع را برگزیده و گوشه هایی از نشانه ها و آیات آفریننده ی حکیم ، از عالم آنها را در برابر دیدگان قرار می دهیم .

مرغابی : این پرنده معمولاً دربرکه ها ، لجنزارها ، کنار جویها و رودها و سواحل آبها زندگی می کند ، چون غذای او در چنین مکانهایی یافت می شود از ویژگیهایی خاص و متناسب با محیط زندگی برخوردار می باشد ، از جمله :

- مهارت در شنا : برای بدست آوردن غذا لازم است شناگر ماهری باشد ، در غیر این صورت خیلی زود غرق می شود و نسلش منقرض خواهد گشت .

- پاهای پارو مانند : در بین انگشتان پاهای مرغابی برخلاف پاهای سایر پرندگان پرده هایی کشیده شده است که به مانند پارو عمل می کند و هنگام حرکت ، آب را به وسیله ی پاهایش به آسانی عقب می زند و خود جلو می رود و شنا می کند .

- پره‌های چرب : پره‌های مرغابی توسط غده‌های چربی مداوم چرب می‌شوند ، در نتیجه آب به خود نمی‌گیرند و خیس نمی‌شوند چون خیس شدن سبب سنگین شدن بدن و غرق شدن او می‌شود.

- منقار پهن و سوراخ : مرغابی با این منقار به آسانی لجن‌ها را جابجا کرده و غذای مطلوب را همراه با گل و لای بر می‌دارد ، گل و لای از سوراخ طرفین منقارش بیرون ریخته می‌شود و غذای مطلوب و بدون لجن را فرو می‌برد .

اعضای متناسب و نحوه‌ی زندگی و طریقه‌ی کسب رزق و روزی مرغابی ما را به وسعت علم و حکمت آفریننده‌ی مقتدرش راهنمایی می‌کند

اگر پره‌های پرندگان نابود شوند ، چه می‌شود ؟

اگر پره‌های پرندگان از بین برود ، پرندگان قدرت پرواز را از دست می‌دهند و نمی‌تواند در برابر سرما و گرما مقاومت کنند و به زودی همگی تلف می‌شوند . آنگاه به تعداد حشرات ، که بزرگترین دشمن آنها از بین رفته است ، افزوده می‌شود ، بطوری که همه‌ی مزارع و مراتع و درختان را نابود می‌کنند و همه‌ی چرندگان و گیاهخواران هم در اثر بی‌غذایی می‌میرند و پس از گیاهخواران ،

گوشتخواران هم نابود می شوند و همچنین ازدیاد حشرات موجب ازدیاد میکروبها شده ، و حیوانات و انسانها را نابود می کنند .
اگر این نقص به ظاهر کوچک رخ دهد ، همه ی موجودات زنده در معرض خطر نابودی قرار خواهند گرفت . زیرا تمام موجودات این جهان ، آفریننده ی حسابگر بس دانا و توانایی دارند که جهان و موجودات و نظم حاکم بر آن را ، بر مبنای حساب و کتاب دقیق ، طراحی و به صحنه ی وجود آورده است.

آیات و نشانه های خداوند در عالم حیوانات

با توجه به تنوع گونه ها در عالم حیوانات ، برای اهل دقت و بصیرت اشاره ای مختصر کافی است.

شتر : شتر حیوانی است که در مناطق گرم و خشک زندگی می کند و طوری آفریده شده است که با نوع آب و هوا ، وضعیت جوی ، پوشش گیاهی و محیط کویری کاملاً هماهنگ و سازگار است . و از پس همه ی مشکلات چنین محیطی بر آمده است ، از جمله :

- مشکل کم آبی : معمولاً بیابانها و کویرها ، خشک ترین و کم آب ترین مناطق جهان می باشند که زیستگاه اصلی شتر است و با

وجود خشک بودن و کم آب بودن این مناطق ، شتر مطمئن ترین وسیله ی مسافرت در این نواحی است ، چون در بدنش میلیاردها سلول وجود دارند که در هنگامی که شتر آب می نوشد این سلولها چندین برابر انبساط می یابند و در خود آب ذخیره می کنند . همچنین سلولهایی در بدن شتر وجود دارند که می توانند از علفهای خشکی که شتر می خورد آب تهیه کنند ، بنابر این شتر با در اختیار داشتن این ذخیره ی آب ، قادر است در گرمای شدید و سوزان کویر چندین روز بدون آب راهپیمایی کند .

- مشکل کمبود غذا : شتر هنگامی که در بیابانهای خشک برای مدت طولانی راهپیمایی می کند و غذا و علفی در آنها یافت نمی شود ، از چربی و غذای ذخیره شده در کوهان خود که همچون توشه ی راه بر پشت دارد ، استفاده می کند .

- مشکل مسافرت در طوفان : در هنگام طوفان شدید شن در بیابانها ، همه ی موجودات زنده از حرکت و ادامه ی سفر باز می مانند ، اما شتر بر خلاف سایر موجودات زنده ، بجای یک پلک دو پلک چشم دارد که یکی از این دو پلک مخصوص روزهای طوفانی است که شتر در مواقع طوفان با بستن آن از ورود شن و خار و خاشاک به چشم خود جلوگیری می کند و به راحتی به

مسیر خود ادامه می دهد .

- مشکل راه یابی : شتر با وجود ناپدید شدن راه در اثر طوفان شن ، مسیر را تشخیص می دهد و گم نمی شود و می تواند به حرکت به سوی مقصد ادامه دهد .

- مشکل فرو رفتن در شن : پاهای شتر برخلاف پاهای اسب و استر که در شن فرو می روند ، انتهای پایش حالت خُف دارند و سبب می شود به آسانی روی شن ها حرکت کند بدون اینکه در شن ها فرو روند .

- مشکل پوشش گیاهی خاردار : پوشش گیاهی مناطق کویری به علت کم آبی شدید ، خاردار می باشند و حیوانات نمی توانند از آنها استفاده ی غذایی کنند ، اما در لبهای شتر شکاف و تَرَک‌هایی وجود دارد که حداقل برخورد و تماس را با خار پیدا می کنند و در نتیجه شتر به آسانی می تواند از آنها استفاده ی غذایی کند ...

راستی چه کسی شتر را این چنین سازگار با شرایط خاص محیط ناسازگار کویری آفریده است ؟ آیا لازم نیست در این باره بیندیشیم .^(۱)

^۱ - افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت . غاشيه / ۱۷ آیا به شتران نمی نگرند که چگونه آفریده شده اند !؟

آیات و نشانه های خداوند در عالم انسانها

راز حیات : سلول که با چشم عادی دیده نمی شود از سه قسمت اصلی هسته و سیتوپلاسم و غشاء تشکیل شده است . سیر حیات در درون هسته نهفته و ناشناخته و به صورت اسرار غیرقابل دسترسی باقیمانده است .

استخوان بندی انسان : در دروران جنینی تعدادی از سلولهای متخصص ! بر اساس اسلوب هندسی و ریاضی بیش از ۲۰۰ نوع استخوان را در اشکال و استانداردهای بسیار ظریف و دقیق طراحی کرده و بدون هر گونه مقیاس و قالبی به ساختن آنها می پردازند . و در بین مهره ها غضروف^(۱) تعبیه کرده تا از ساییده شدن استخوانها بر روی هم جلوگیری کرده و خم و راست شدن بدن را آسان نماید و در مفصلها^(۲) استخوانها را بوسیله ی نوارهای سفت و محکم رباط ، همچون پیچ و مهره به یکدیگر وصل کرده است و با نوارهای زردپی ماهیچه ها را به استخوانها وصل کرده و مانع کندن شدن آنها شده است .

۱- ماده ای است نرمتر از استخوان که در بین استخوانها قرار گرفته است.

۲- مفصل جایی است که دو استخوان به هم می رسند .

آیا می دانید هر یک از استخوانهای بدن ما قالب خاص به خود را دارد؟ اگر قالب ران در جای بند انگشتان قرار می گرفت و قالب انگشتان به جای استخوان ران قرار می گرفت، چه می شد؟! و....؟! **مراحل هضم و جذب غذا:** بیندیشم وبه سئوالات زیر پاسخ دهیم:

- اگر دندان نمی داشتیم چگونه غذا را خرد و آسیاب می کردیم؟! یا اگر جای دندانها برخلاف معمول می بود، چکار می کردیم؟! - اگر لبها نبودند ما چگونه غذا را در دهان نگه می داشتیم؟! - اگر غده های بزاقی، بزاق ترشح نمی کردند چگونه غذاها را فرو می بردیم؟!

- اگر هنگامی که غذا به چهار راه حلق می رسید به جای اینکه به لوله مری و سپس معده برود به لوله ی نای و سپس به ششها می رفت چه می شد؟! و اگر اندام اپیگلوت تعبیه نشده بود تا در هنگام غذا خوردن راه نای را ببندد چه می شد؟! و یا در هنگام تنفس راه مری را نمی بست و هوا به جای اینکه به ششها برود به معده می رفت چه می شد؟!

- اگر معده، شیره ی معده ترشح نمی کرد غذا چگونه آماده ی هضم و جذب می شد؟!

- اگر شیره ی معده همراه با مواد گوشتی، خود معده را هم هضم می کرد، راه حل و چاره چه بود؟!

- اگر کبد مواد سمی غذا را نمی گرفت و از راه کلیه ها دفع نمی کرد ، و مواد غذایی گوارش یافته همراه با سم به قسمت‌های مختلف بدن فرستاده می شد ، چه می شد؟!

- اگر غذای گوارش نیافته به بیرون رانده نمی شد چه می شد؟! و.....؟!

پاک و منزه ای است آفریننده ای که بر تن آدمی بهترین و زیبنده ترین خلعت آفرینش را بخشید...^(۱)

دلیل فطرت

فطرت ، احساس طبیعی و پنهانی است که از اعماق درون آدمی بر می خیزد و آدمی بدون یادگیری و تلقین در خویشتن می یابد . مانند ، حس زیبایی دوستی ، حقیقت جویی ، گرایش به نیکی ، و خدا جویی و خدا پرستی .

^۱ - فتبارک الله احسن الخالقین . مؤمنون / ۱۴ والا مقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است . « ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت « ملک / ۳ اصلاً در آفرینش و آفریده های خداوند مهربان خلل و تضاد و ناهماهنگی نمی بینی .

دلیل فطرت ، بیان می دارد که ایمان به وجود خداوند در نهاد بشر فطری است . بدین معنا ، که هرگاه انسان خواه عالم یا بیسواد ، با خویشتن خلوت کند و نفس خویشتن را از آثار موروثی و مذهبی و عقیدتی و عوامل محیطی تخلیه نماید و سپس در خصوص جهان هستی و وجود خود بیندیشد ، نفس خویشتن را در مقابل پروردگار متعال ساجد و خاشع خواهد یافت و این دلیلی بر خداشناسی فطری انسان است .

فیلسوف معروف هنری برگسون گوید : « اقوام و جوامع انسانی بیشماری بوده و هستند که از علم و فلسفه ، و فنون و تکنولوژی محروم بوده و هستند اما هیچ جامعه ای فاقد دین نبوده است .

دکتر عقاد گوید : در یک همایش علمی که با حضور بسیاری از دانشمندان و محققین در افریقا برگزار شد . پس از پایان نشست ، به ترغیب عده ای به دیدار اقوام وحشی رفتیم . چون به مرز انسانهای متمدن وحشی رسیدیم و از مرزنشینان متمدن خواستیم ما را به نزد آنان ببرند . مرزنشینان بر بلندی آتشی برافروختند و گفتند منتظر شوید تا رابط ما که در میان اقوام وحشی است بیاید و شما را به نزد آنان ببرد . با آمدن و دادن توضیحات لازم به او ، ما را به میان اقوام وحشی برد که به صورت لخت مادر زاد و عاری از هرگونه پوشش و تمدنی بودند با آنها نشستیم و به گفتگو پرداختیم

و هریک در زمینه ی تخصص خود تحقیق می نمود . یکی از سئوالاتی که به ذهنم رسید از آنها بپرسم در مورد فطرت خدا جوی انسان بود و چون از آنها پرسیدم آفریننده ی آسمانها و زمین کیست ؟ . در پاسخ گفتند : (خدا) گفتم او خود در کجاست ؟ گفتند در آسمانهاست .

واپسین سخن

آیات و نشانه خداوند متعال موجود در جهان طبیعت و در اندرون آدمی ، برای کسانی که از دانش واقعی و نعمت تفکر و تعقل محروم باشند ، مؤثر واقع نمی شود . قطعاً آنانکه در گرداب لهو و لعب ، فساد و بزهکاری ، ظلم و ستمگری ، و کبر و جهل گرفتار شده اند ، قدرت دیدن و شنیدن و درک حقایق را ندارند . زیرا ظلمت گناه و معصیت ، ابزارهای شناخت آنها دچار اختلال کرده است و ابزار های شناخت آنها جز در موارد محدود ، بیشتر در جهت فساد و تخریب بکار گرفته می شوند . و إلا عاقلان را اشاره ای بس است .

هدف از آفرینش جهان چیست ؟

بعد از علم و ایمان به آفریدگارِ جهان و انسان ، این سؤال برای آدمی مطرح می شود که راستی هدف خداوند متعال از آفرینش جهان و مخصوصاً انسان چه بوده است؟

غرض از پدید آمدن مواد (خاک ، آب ، هوا و...) پیدایش نباتات ، و مقصود از پدید آمدن نباتات ، بوجود آمدن حیوانات بوده ، و منظور از آفرینش همه ی اینها پیدایش هیكل آدمی است ، چون تا مواد نباشد هیچ نباتی امکان حیات و رشد و تولید مثل نخواهد داشت و تا نبات هم نباشد هیچ حیوانی امکان وجود و بقا نخواهد داشت و حیات و بقای آدمی هم در گروه وجود نباتات و حیوانات است . بنابراین آفرینش آسمانها و زمین و آنچه در آن دو و میان آن دو است همگی به مقتضای تعلق اراده و مشیت خداوند متعال بر آفرینش و معرفی خود به مخلوقات و بخشندگی او نسبت به موجودات بوده و جملگی آن را برای آدمی آفریده است . همچنانکه در این باره می فرماید :

« هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا... »

خدای شما کسی است که همه ی موجودات و پدیده های روی زمین را برای شما (انسانها) آفرید .

بنابراین ، آدمی حق دارد از هر آنچه که در جهان است ، آن گونه که خداوند مقرر نموده ، نه آن گونه که نفس اماره و نیروهای شر و تمایلات ناروا درخواست می نمایند ، از نعمت ها بهره مند شود . چون این نعمت ها از آن خداوند است و آنها را برای انسانها آفریده است .

هدف از آفرینش انسان چیست ؟

هنگامی که پدیده ها ، اشیاء و اسباب و امکانات موجود در محیط پیرامون خویش را نظاره کنیم ، در می یابیم که هریک حامل هدفی و برای جلب منفعت و دفع مضرتی بوجود آمده اند ... حال راستی باید هدف خداوند متعال از آفرینش انسان چه بوده باشد که هر آنچه در زمین قرار داده همه را برای استفاده و بهره مندی او آفریده است ؟

هنگامی که مشیت خداوند بر آفرینش آدمی تعلق گرفت ، فرشتگان را مورد خطاب قرار داد و فرمود :

«... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً^ص .»^(۱) من در زمین

^۱ - بقره / ۳۰ ۲ - ذاریات / ۵۶

جانشینی قرار می دهدم .

بنابراین انسان خلیفه و جانشین خداوند در سرزمین است . و خداوند برای انسان به عنوان جانشین خود ، تکالیفی را تعیین کرده است و از آن ، به عنوان عبادت یاد کرده است و در این باره می فرماید : **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** ^(۱) من جن

ها و انسان را جز برای عبادت خود نیافریده ام .

بنا براین انسان ، خلیفه و جانشین خدا در سرزمین بوده و وظیفه اش عبادت و بندگی پروردگار می باشد . با این توضیح که انسان به اراده و اختیار خود می تواند امر خلافت و جانشینی خداوند متعال را بپذیرد و عبودیت و بندگیش را بجا آورد و یا با میل و اراده ی خود از امر خلافت و جانشینی خداوند متعال امتناع ورزد و بجای عبودیت پروردگار ، دار و دسته ی شیطان و پیرو هوای نفس اماره باشد .

مفهوم کلی عبادت

عبادت به معنی بندگی و اطاعت و پیروی همه جانبه از دستورات خدا و رسول ، و توجه قلبی و پرستش خالصانه ی او ، می باشد.

مقام انسان ما فوق تصور است ، او خلیفه و جانشین خداوند است . و خداوند متعال این خلعت گرانبمایه را به او بخشیده است . وای بر او اگر برخلاف وظیفه اش (عبودیت پروردگار) عمل نماید ، و در راستای تحقق هدف از خلقتش گام بردارد و استعداد های بالقوه ی مثبت را رها کند و بر خلاف آنها حرکت نماید . و از صراط مستقیم منحرف شود وزمینه ی شکوفایی استعدادهای منفی را فراهم نماید و با سقوط در تیه ضلالت و گمراهی و پست حیوانی ، لای چرخ تکامل انسانی سنگ بگذارد و مانع حرکت و رشد و تکامل انسانیت شود .. وای بر او ... باید چه محاکمه و محاسبه و عذاب سختی در انتظار او باشد ... او که بنده ی حلقه به گوش بودن شیطان را بر جانشینی خداوند متعال ترجیح می دهد ... وای بر او .

حوزه عبادت در اسلام

امام ابن تیمیه (رحمه الله علیه) در رساله ی "العبودیه" می فرماید: "عبادت اسمی است در بر گیرنده تمامی گفتارها و کردارهای ظاهری و باطنی مورد پسند و قبول خداوند". بنابراین نماز، زکات، روزه، حج، راستگویی، امانتداری، احسان به پدر و مادر، حفظ پیوند خویشاوندی، پایبندی به عهد و پیمان، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با کفار و منافقان، خوبی به همسایه و یتیم و درمانده و مسکین و غریب و اسیر و حیوانات و ذکر و نیایش و تلاوت قرآن و این قبیل از کارها نمونه هایی از عبادت می باشند. همچنین دوست داشتن خدا و رسول، ترس از خدا و بازگشت بسوی او، اخلاص عقیده، پذیرش خواسته ی خدا، سپاس نعمت ها، رضا به قضا و قدر، توکل بر خدا، ایمان داشتن به رحمت خدا و خوف از عذابش و نظایر این کارها در شمار عبادت خداوند هستند.

بنابراین بطور خلاصه انجام هر آنچه که خدا و پیامبر (ص) بر آن فرمان داده اند، خواه در امور شخصی و یا در امور اجتماعی و سیاسی، عبادت محسوب می شود و عمل بر خلاف آن گناه و نافرمانی می باشد. از جمله:

- امرار معاش (و فعالیت اقتصادی) عبادت است :

کعب بن عجره گوید : مردی از کنار پیامبر(ص) عبور کرد، اصحاب چون چالاکی و نشاط او را دیدند گفتند : ای کاش این زرنگی و چالاکی در راه خدا می بود . پیامبر (ص) فرمود:
اگر به منظور تلاش برای فرزندان خردسالش بیرون آمده در راه خدا است ، و اگر بخاطر پدر و مادر پیر و سالمندش می کوشد در راه خدا است ، و اگر برای حفظ عفت و آبروی خود تلاش می نماید در راه خدا است ، ولی اگر بخاطر ریا و تظاهر و خود نمایی بیرون آمده باشد در راه شیطان است ... رواه طبرانی

- تجارت و بازرگانی عبادت است

- کشاورزی کردن عبادت است

- دامداری کردن عبادت است

- داخلاق نیکو (رعایت امور اخلاقی) عبادت است

- نیکی کردن در حق والدین عبادت است.

- فرو بردن خشم خود عبادت است

- کسب دانش (و فعالیت علمی و فرهنگی) عبادت است :

- نیکی در حق بینوایان (و نوع دوستی) عبادت است

- رفع مشکلات و عیب پوشی (و حفظ اسرار) عبادت است
- عبادت مریض (و فعالیت اجتماعی) عبادت است
- سلام و احوالپرسی عبادت است

بنابراین عبادت دارای افقی پهناور بوده و در چند شعار عبادی خلاصه نمی شود ، بلکه انجام کلیه امور شخصی و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و ... به شرط خلوص نیت و رعایت حدودات الهی برای شخص مؤمن ، عبادت محسوب می شوند .

منابع و مأخذ

- ۱ - تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل
- ۲ - احادیث نبوی صحاح سته
- ۳ - احیاء علوم الدین امام محمد غزالی
- ۴ - الله سعید حوی
- ۵ - وجود الله دکتر یوسف قرضاوی
- ۶ - عبادت در اسلام دکتر یوسف قرضاوی
- ۷ - سلسله درسهای عقیده استاد سبحانی
- ۸ - راز آفرینش انسان کریسی موريسن
- ۹ - فلسفه آفرینش انسان راغب اصفهانی
- ۱۰ - موریانه ها موريس مترلینگ
- ۱۱ - هستی بخش سید عبدالکریم هاشمی نژاد
- ۱۲ - عبادت‌های اسلامی ابوالاعلی مودودی
- ۱۳ - مصطلحات الاربعه ابوالاعلی مودودی
- ۱۴ - همکاریهای اجتماعی در اسلام ناصح علوان

ایمان به فرشتگان

بسم الله الرحمن الرحيم

در باره حقیقت فرشتگان و چگونگی آفرینش آنها منبعی جز قرآن و احادیث نبوی وجود ندارد. قرآن در مورد منشاء آفرینش فرشتگان چیزی بیان نکرده است ولی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: « خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ ... » فرشتگان از نور آفریده شده اند...

از آنجائیکه ایمان به فرشتگان از ارکان عقیده ی اسلامی است ، بر ما مؤمنین لازم است به وجود آنها ایمان داشته باشیم .

طبیعت و سرشت فرشتگان

- سرشت و طبیعت فرشتگان جدا از طبیعت انسان است . و با آن تفاوت بسیار دارد. از جمله ویژگیهای خاص فرشتگان :
- ۱- قبل از انسانها آفریده شده اند.
 - ۲- دارای بالهای بسیار قوی و نیرومندی هستند.
 - ۳- از قدرت صعود و فرود در آسمانها و زمین برخوردارند
 - ۴- از خداوند خوف و ترس بسیار دارند .
 - ۵- از دستورات خداوند بدون چون و چرا اطاعت و فرمانبرداری می نمایند.

- ۶- در نزد پروردگار مورد اکرام و احترام هستند .
- ۷- از قدرت خارق العاده ای برخوردار می باشند
- ۸- نر و ماده ندارند و ازدواج و تولید مثل نمی نمایند .
- ۹- برای انسانها قابل مشاهده نیستند .
- ۱۰- در شکل و قیافه انسانهای شناخته شده یا ناشناخته ظاهر می شوند .

تعداد فرشتگان

پیامبر(ص) در باره فراوانی فرشتگان فرمود : آسمان را همهمه و انعکاس صداها فرا گرفته است و باید هم آنگونه باشد ، چون جایی نیست مگر اینکه در آن فرشته ای در حال سجده یا رکوع است.

اصناف فرشتگان و وظایف آنها

فرشتگان دارای اصناف مختلفی هستند و هریک از آنها وظایفی برعهده دارند ، و در راس همه ی آنها جبرئیل، میکائیل (مکیال)، اسرافیل و عزرائیل قرار دارند .

۱- جبرئیل : فرشته ای است که از طرف خداوند وحی را به پیامبران ابلاغ می نماید.

۲- میکائیل : مأمور باران و رزق و روزی بندگان است.

۳- اسرافیل: مأمور دمیدن در صور است که به امر خداوند متعال با نفخ اوّل (دمیدن در شیپور) هر آنچه در آسمانها و زمین است جز آنهایی که خداوند آنها را از مرگ برای مدّتی معین استثنا کرده است ، هلاک می شوند . سپس برای شروع حیات پس از مرگ برای بار دوّم در صور می دمد ، بناگاه همگی جان می گیرند و بپا می خیزند . و به سوی صحرای محشر به حرکت در می آیند.

۴- عزرائیل: همان ملک الموت و سرکرده ی فرشتگان قبض روح است .

فرشتگان مأمور به قبض ارواح دو دسته هستند:

الف- ناشطات : فرشتگانی هستند که مأمور به گرفتن ارواح مؤمنین با مهربانی و نرمی می باشند.

ب- نازعات : فرشتگان مأمور به گرفتن ارواح کفار با شدت و سختی و خشم و عصبانیت هستند.

۵- حاملان عرش : عرش پروردگار را بر فراز سرخود بر می دارند .

۶- حلقه زندگان و فراگیرندگان عرش.

مأموران بهشت

هنگامی که مؤمنین به إذن پروردگار به سوی بهشت رهسپار می شوند مأموران بهشتی با سلام و تهنیت به استقبال آنان آمده و از آنها پذیرایی می کنند .

مأموران دوزخ

هنگامی که کافران گروه گروه به سوی دوزخ رانده می شوند نگهبانان دوزخ با ترسرویی به آنها می گویند: مگر پیغمبرانی از جنس خودتان به میانتان نیامدند تا با نشان دادن آیات پروردگار، شما را از چنین روزی بترسانند ؟ آنان می گویند: چرا پیامبران آمدند و ما را بیم دادند اما ما راه کفر را در پیش گرفتیم. فرشتگان به آنها می گویند : از درهای دوزخ داخل شوید و برای همیشه در آن می مانید . جایگاه منکران چه بد جایگاهی است.

- فرشتگانی بر دوزخ گمارده شده اند که خشن و سختگیر و زورمند و توانا هستند .

- هر زمانی که دوزخیان بخواهند خویشتن را ازغم و اندوه عظیم آتش برهانند ، بدان برگردانده می شوند و فرشتگان به آنها می گویند : عذاب سوزان را بچشید...

مأموران و مراقبان آدمیان

اینها خود دارای اصناف و گروه های مختلفی هستند و برای هر صنف و گروه وظایفی است همچنانکه در نصوص آمده است، از جمله آن اصناف :

- ۱- دمیدن روح در جنین
- ۲- نویسندگان نامه ی اعمال انسان
- ۳- محافظت از انسانها در برابر خطرات
- ۴- تثبیت و تأیید پیامبران
- ۵- دعای خیر و استغفار برای مؤمنان
- ۶- بشارت بهشت دادن به مومنان
- ۷- صلوات فرستادن بر پیامبر (ص) .
- ۸- رساندن صلوات و سلام دیگران به پیامبر(ص) .
- ۹- صلوات فرستادن بر کسانی که بر پیامبر صلوات می فرستند .
- ۱۰- ثبت نام حاضرین در نماز جمعه
- ۱۱- جستجوی ناپدید شدگان اهل مسجد و نماز جماعت
- ۱۲- حضور در مجالس ذکر
- ۱۳- حضور نزد تلاوت کنندگان قرآن
- ۱۴- گستردن بال ها برای طالبین علم
- ۱۵- درود و سلام فرستادن بر معلمان

- ۱۶- درود سلام فرستادن بر عیادت کنندگان
- ۱۷- درود و سلام فرستادن بر کمک کنندگان دیگران .
- ۱۸- درود و سلام فرستادن بر سحر خیزان
- ۱۹- اعلام محبت خداوند نسبت به مؤمنین واقعی
- ۲۰- کمک و یاری رساندن به مؤمنان
- ۲۱- شرکت در تشیع جنازه ی مؤمنان
- ۲۲- نازل کردن عذاب بر گناه کاران
- ۲۳- انجام سایر امورات این عالم

اثر ایمان به فرشتگان

- ۱- ایمان به ملائکه سبب می شود تا در هیچ موقعیتی آدمی خود را تنها نپندارد ، و حضور آنها را همیشه در کنار خود احساس نماید.
- ۲- در هنگام تصمیم بر انجام گناه، احساس حضور و مراقبت آنها، سبب ایجاد شرم و حیا شده و مانع انجام گناه و نافرمانی می شود .
- ۳- ایمان به ملائکه و احساس حضور آنها و فیلم برداری از اعمال آدمی ، سبب تشویق مؤمنین به انجام نیکی ها می شود .
- ۴- رفع مشکلات روزمره به صورت خارق العاده را به کمک و یاری فرشتگان نسبت داده و به و به شرک و خرافات گرایش پیدا نمی کند .

وحی و نبوت

نیاز مردمان به پیامبر

خداوند انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داد و وظیفه اش را عبودیت و بندگی مقرر نمود و خوی عبودیت و بندگی را در نهاد وی به ودیعت نهاد. بر همین مبنا آدمی در اعماق درون خود نیاز به تدین و دینداری را احساس می نماید. بنابراین همه ی انسانها دیندارند، هرچند عده ای، ادعا نمایند که ما پای بند به هیچ دین آسمانی نیستم، به یقین آنان پای بند دین زمینی هستند و همان تفکرات و اندیشه ی آنها که برایش و در راهش جانفشانی و تلاش می نمایند (خواه پول و ثروت، مقام و منزلت، شهوت و لذت و... باشد) همان دین آنها است.

آفریننده هستی از میان انسان ها کسانی را برگزیده و با علم و حکمت بسوی آنان روانه کرده است. تا انسانها را در ادای عبادت صحیح و کسب رضای خداوند و بهشت پر نعمت ارشاد و راهنمایی نمایند.

پیامبر کیست؟

پیامبر فرستاده و مردی است آزاده، که خداوند متعال او را از میان مردمان برگزیده و به او رسالت و منهج و برنامه عطاء کرده

است و به تبلیغ آن مکلف نموده و صفاتی که لازمه دریافت وحی و حمل مسئولیت دعوت الی الله است به او بخشیده است.

مهمترین وظایف پیامبران

- ۱- تبلیغ رسالت بصورت کامل در محدوده وحی الهی .
- ۲- شناساندن آفریدگار ، صفات کمال او ، و حق خداوند بر مردمان .
- ۳- شناساندن عالم غیب به مردمان در محدوده وحی الهی .
- ۴- بیان احکام شرعی در ارتباط با روابط انسان با خدا (احکام عبادات) و روابط فرد با دیگران (احکام معاملات و جزا و عقوبات و...)
- ۵- بیدار کردن دلها با ترغیب و بشارت به بهشت و نعمات جاوید آن و با ترهیب و ایجاد ترس و بیم از دوزخ و عذابهای سخت آن ...
- ۶- ارائه بهترین نمونه ی عملی اسلام راستین با گفتار و رفتار و اخلاق خود ...

صفات اساسی برای حمل رسالت

- ۱- صداقت و راستگویی : کسی که ادعای نبوت دارد و خویشتن را فرستاده ی خداوند متعال معرفی می کند ، لازم است ؛ در تمامی گفتارها ، و وعده هایی که می دهد و پیمانهایی که می بندد ، صادق و راستگو باشد .

هنگامی که هرقل قیصر روم آوازه ی پیامبر اسلام را شنید به کارگزارانش گفت ؛ مردی از این قوم را نزد من بیاورید. چون ابوسفیان را نزدش بردند ، در ضمن سئوالاتش پرسید : ” آیا قبل از این سخنانی که اکنون می گوید (دعوت به اسلام و کلمه لا اله الا الله و..) هرگز متهم به دروغگویی بوده است و یا دروغی او وی شنیده اید ؟ ابوسفیان گوید ؛ گفتم : نه ... هرگز “ .^(۱)

۲- التزام عملی به برنامه ی دین : اگر کسی دیگران را به سوی چیزی دعوت کند و آن را نیک بنامد و خود بدان عمل نکند و یا عصیان و نافرمانی ورزد نشانه ی خائن بودن وی است نه امین رسالت بودن .

پیامبر (ص) در اجرای دستورات خداوند متعال بیش از همه تلاش می نمود و به رعایت آن التزام کامل داشت .
حضرت عایشه (رض) گوید : پیامبر (ص) شب ها آنقدر نماز می خواند که پاهایش ورم می کرد . به او گفتم : ای پیامبر خدا (ص) چرا چنین خود را به زحمت می اندازی در حالی که خداوند گناهان گذشته و آینده ات را بخشیده است .^(۲) می فرمود : آیا

۱- رواه الشيخان ۲- لیغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تاخر ...

بنده ای شکرگزار نباشم . رواه الشیخان

پیامبر (ص) همیشه بشاش و تبسم بر لب داشت و آسانگیر و نرمخو بود و از خشونت و سخت گیری و فحش و بدگویی و غیبت و هر گونه سخن و عمل ناروا به شدت پرهیز می کرد و در کلیه ی امور خیر پیشقدم بود . در اکثر جنگ ها در صف مقدم بود و جز از خدا از کسی بیمی به دل راه نمی داد ، و فقط بر خداوند توکل می نمود و شجاع ترین مردمان بود . و با کفر و الحاد به شدت برخورد می کرد و در اجرای احکام الهی کمترین اهمال و سستی روا نمی دید و بسیار جدی و قاطع بود .

۳- **تبلیغ و دعوت مستمر:** پیامبر (ص) در راه رساندن پیامش به مردمان نهایت سعی و تلاش را نمود و در مقابل همه ی مشکلات صبر پیشه کرد تا بر همه ی مشکلات فائق آمد .

ازدی گوید : پیامبر را در عصر جاهلیت دیدم که می گفت :

ای مردم بگوئید : جز الله کسی فرمانروا و قانونگذار و معبود و فریادرس نیست تا رستگار شوید . پس بعضی بر چهره ی مبارکش آب دهان انداختند و تعدادی بر او خاک پاشیدند و برخی هم او را دشنام دادند و

پیامبر (ص) را دیوانه ، کاهن ، مجنون و جادوگر نامیدند و مانع ارتباط دیگران با وی شدند ... تطمیعش کردند ، گفتند : اگر مال می خواهی آنقدر به تو می دهیم که از همه ی ما ثروتمندتر شوی ، اگر مقام می خواهی ، سید و سرور ما باش ، ما همه تحت فرمان تو خواهیم بود ... اما هرگز تسلیم خواسته های آنها نشد و دست از دعوت و تبلیغ برنداشت . همراه با بنی هاشم به شعب ابی طالب تبعیدش کردند و او را تحت محاصره ی شدید اقتصادی و اجتماعی قرار دادند و ماهها گرسنگی و سختی و مشکلات را تحمل نمودند تا عمو و همسر باوفایش در شعب ابی طالب در کمال سختی جان به جان آفرین تسلیم کردند ، اما هرگز حاضر به سازش نشد .

او را تهدید به مرگ کردند ، چندین بار نقشه ی قتلش را کشیدند ، اما حاضر به تسلیم نشد و همچنان بر عقیده ی خود و تلاش در راه آن اصرار می ورزید ...

۴- عقل برتر : معمولاً مردمان به آسانی حاضر نیستند از کسی که از عقل برتر برخوردار نباشد ، تبعیت کنند . و عدم برخورداری از عقلانیت بالا و برتر ، موجب ناتوانی در رساندن پیام و اقناع دیگران و عدم توانایی بر دفع حملات کوبنده ی مخالفین و منکرین خواهد

شد . بنابراین لازم است پیامبر داناترین ، باذکوت ترین و حکیم ترین مردمان باشد .

عقل برتر پیامبر(ص) درموضعگیری های درست و حکیمانه اش با قوم قریش ، و تحمل آزار و اذیت ها ، و در رهبری سیاسی و دینی او در مدینه و فرماندهی نظامی ، و مدیریتش در خانه و اداره آن و در برخورد با همسر و اعضای خانواده و سایر اقشار مردمان ، و در تربیت بی مانند یارانش مشهود است .

رهبری بی نظیر امت

پیامبر (ص) در تمام جوانب (در مقام پدر ، همسر ، مؤسس حکومت ، رهبری سیاسی و معنوی ، فرماندهی لشکر ، جهاد با دشمنان ، در مقام عبادت و راز و نیاز با پروردگار و معبود ، در فعالیت های اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و اعتقادی و تربیتی و...) اسوه و الگوی برتر انسانیت می باشد .

باری فاطمه (رض) نصف قرص نان جوینی برای پیامبر (ص) آورد . پیامبر (ص) فرمود : این چیست ؟ فاطمه گفت : یک قرص نان جوین پختم ، نتوانستم بدون تو آن را بخورم . پیامبر (ص) بدو گفت : این اولین طعمی است که پدرت بعد از گذشت سه روز میل

می کند . رواه احمد و الطبرانی چنین کسی جز بنده ی مخلص و مقرب خداوند و فرستاده ی او چه کسی می تواند باشد !
آیا کسی جز پیامبر (ص) بود که ؛ از میان آن قوم جاهل و نادان و فاسد ، آن همه عابد ، زاهد ، مجاهد ، سیاستمدار ، مدیر و مدبر عادل و دادگر و تربیت نمود که تا ابد جهان نظیرش را نخواهد دید ...

اخبار غیبی از زبان پیامبر (ص)

سحر ، جادو ، شعبده بازی و پیش بینی و... اموری اکتسابی و آموختنی هستند و با تعلیم و تمرین و به کمک اسباب و امکانات مادی ، امکان دسترسی بدانها برای بسیاری از انسانها میسر است . اما معجزه ، خارج از دایره ی آموزش بوده و انجام آن به کمک اسباب و وسایل مادی امکان پذیر نیست . لذا فقط کسی می تواند پیش گویی آگاهانه بنماید و از آینده خبر درست و واقعی بدهد که پیامبر باشد و این کار هم فقط در سایه ی ارتباط با عالم غیب و از طریق معجزه میسر است . از جمله ی اخبار غیبی نبوی :

۱- هجوم ارتش چند ملیتی به سرزمین های اسلامی : (پیامبر - ص - فرمود) : نزدیک است که سایر ملل ، بگونه حمله ور شدن

حیوان درنده به صیدش به شما حمله ور شوند. یکی از آن میان گفت : آیا در اثر کم بودن تعداد ما است ای پیامبر خدا (ص) ؟ فرمود : خیر بلکه تعداد شما بسیار زیاد است ، اما به مانند خار و خاشاک روی سیلاب هستید و خداوند ترس و هیبت و شکوه شما را از قلوب دشمنانتان می زداید و در قلوب شما وهن قرار می دهد . کسی پرسید : ای پیامبر خدا (ص) وهن چیست ؟ فرمود : عشق و حب دنیا و ترس از مرگ است . رواه ابوداود

۲- کشف معادن نفت و گاز و مدیریت کفار بر آن :

معادن فراوانی کشف می شوند از جمله آنها ، معادن مجاور حجاز است که بدترین مردمان (شرکت های خارجی سودجو و خائن) به سویش می آیند . اخرجه حاکم
اولین کسانی که استخراج معادن مجاور حجاز را شروع نمودند بیگانگان و بدترین مردمان بودند ...

۳- رها کردن حقایق اسلام و اکتفا کردن به نماز و روزه :

بر مردمان روزگاری می گذرد که به خداوند ایمان دارند و نسبت به او هم شرک نمی ورزند و روزه ماه رمضان را بجا می آورند و نمازهای پنجگانه را هم ادا می کنند ، در حالی دین اسلام از آنها سلب گردیده است ، زیرا آنان حق را می بینند ، اما به راحتی از کنارش می گذرند . رواه ابن وضاح

۴- قلت مؤمنین واقعی و فراوانی اشرار :

بدان بر نیکان پیشی گرفته و بر آنان چیره می شوند تا جائیکه مؤمن پنهان می ماند آنچنانکه امروز منافق در میان شما خود را پنهان می کند . اخرجه دیلمی

راستی شخص امّی و درس نخوانده ای چون محمّد در آن جامعه ی جاهلیت زده و بدور از علم و فرهنگ و تمدن چگونه به این همه امور نا آموختنی و غیبی دسترسی پیدا نمود و آن را برای ما بیان نمود تا در وقت فتنه ها و ظلمات ، حقایق را ببینیم و فراموش نکنیم ... !؟

روش شناخت پیامبران راستین

پیامبران راستین را می توان با ویژگی های زیر از مدعیان دروغین باز شناخت :

- ۱- برخورداری از معجزه و انجام امور خارق العاده ای که خارج از دایره ی استعداد و قدرت و توان بشری است،همچون ؛ دست نورانی و عصای موسی (ع) و دست شفا بخش عیسی و قرآن محمّد (ص) .
- ۲- ارتباط با پروردگار از طریق وحی .

وحی چیست ؟

وحی از نظر لغوی به معنی اشاره کردن ، سخن پنهانی به کسی گفتن ، خبر سریع و پنهان ، و چیزی در دل کسی افکندن ، می باشد . و از نظر شرعی ؛ هر آنچه که از طرف خداوند بر پیامبران نازل می شود ، وحی گفته می شود .

وحی معجزه است ، یعنی طوری است که امکان ندارد از انسان یا هر مخلوق دیگری سرچشمه گرفته یابد و دیگران از آوردن چنین چیزی عاجز و ناتوانند .

اهمیت قرآن در آن است که وحی است ، یعنی معجزه می باشد و دیگران از آوردن چنین کتابی عاجز و ناتوانند .

قرآن از زبان چه کسی شنیده شده است ؟

قرآن از زبان کسی شنیده شده است که قبل از تولد پدر را از دست داده و در دوران کودکی مادرش فوت کرده است ، در واقع دو رکن اساسی تربیت (پدر و مادر) را از دست داده و از پرورش در دامن پدر و مادر و زیر نظر آن دو محروم شده است و با فوت آنها بطور کلی خانواده اش متلاشی شد و از محیط گرم خانواده هم محروم گردید . (که محرومیت از کانون گرم خانواده هم قاعدتاً

تأثیر بسیاری بر عدم شکوفایی استعداد های کودکان دارد بطوری که از هر نظر نسبت به سایر هم سن و سالان خود از حد متوسط هم پایین تر است) در حدود هشت سالگی با فوت پدر بزرگش به منزل عمویش منتقل می شود و در اثر فقر عمویش مجبور به چوپانی می شود و هر روز صبح زود از شهر خارج و تا گذشت پاسی از شب در کوه می ماند و کمترین ارتباطی با کسی ندارد . ایام عمرش ، بدین منوال تا ۲۵ سالگی می گذرند و تا این سن از عمرش فقط دو سفر کوتاه همراه با کارون تجارتنی به شام داشته است که در این مسافرتها ، بزرگترها هم چیزی کسب نمی کنند تا او در سن ۱۲ و ۲۵ سالگی دانشی بیاموزد . لذا همچنان بیسواد و امی باقی ماند . چنین فردی می بایست در سخن گفتن عادی و روابط اجتماعی با مردم هم دچار مشکل و حتی ناتوان باشد .

در محیط زندگی او خبری از مکتب و مدرسه و تحصیل نبود تا او در زمینه ی تعلیم و تربیت چیزی فرا گیرد . بر همین اساس هرگز مخالفین پیامبر به تحصیلات او استدلال نکرده اند ، چون به خوبی می دانستند که تحصیلاتی نداشته است ، و قرآن را هم جزو اثرات علمی او قلمداد نکرده اند .

جامعه ای که پیامبر (ص) در آن زندگی می کرد ، شدت جاهلیت آن بر همگان مشهود است . سرزمین حجاز در اثر بی ارزش

بودن آن ، ایران و روم هیچ یک تمایلی به تسخیر آن نداشتند در حالی که شمال جزو قلمرو روم و جنوب مستعمره ی ایران بود . چنین سرزمین بدون ارتباط با جهان آن روز از هرگونه فرهنگ و دانش و تکنیکِ وارداتی محروم بود و احتمال پرورش فردی در سطح عالی در آن شرایط و در آن سرزمین محال بود .

علوم متداول در این محیط عبارت بود از چهار علم ؛ تعبیر خواب ، ستاره شناسی ، فن سخنوری در شعر و نثر ، و علم نَسَب شناسی . معلوم است از کسی که در چنین جامعه ای پرورش یابد ، علم و پرورشی بیش از حد متوسط انتظار نمی رود و شرایط و ظروف موجود دال بر آن هستند که او قادر به آوردن چنین کتابی نیست ، بلکه حتی اگر در بالاترین سطح هم پرورش می یافت باز از آوردن چنین کتابی عاجز بود و هر کس دیگری هم از چنین کاری عاجز خواهد بود .

در این سرزمین و با چنین شرایطی ، مردی چهل ساله که تا دیروز هیچگونه نبوغی از خود بروز نداده است و همچون سایر مردمان جامعه اش زندگی می کرده است ، تنها نقطه تمایز او عدم سجده اش بر بت بوده است ، قدم به پیش می نهد و علاوه بر شخصیت معمولی ، شخصیت دیگری از خود بروز می دهد و به دو

گونه سخن می گوید؛ یکی از زمین، و دیگری از آسمان، و در اوج فصاحت و بلاغت.

اعجاز قرآن

قرآن در زمینه های زیر معجزه است:

- ۱- در زمینه ی علوم تجربی .
- ۲- در زمینه ی بیان اخبار غیبی .
- ۳- در زمینه ی محاسبات عددی و دقیق ریاضی .

اعجاز قرآن در زمینه ی علوم تجربی

قرآن بیش از ۱۴۰۰ سال قبل به تعدادی از حقایق علمی و تجربی اشاره نموده است که نشان دهنده ی حقایق این کتاب و معجزه بودن آن است، چون کسی ابزار شناخت این حقایق را در اختیار نداشت. از جمله ی آن حقایق علمی:

۱- حرکت و گردش زمین: امروزه حرکت وضعی (گردش زمین به دور خود در هر شبانه روز) و حرکت انتقالی (گردش زمین به دور خورشید در هر سال) بر همگان آشکار است. قرآن در این باره می فرماید: **وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرًّا**

السَّحَابِ^ج نمل/ ۸۸ کوهها را می بینی و آنها را ساکن و بی حرکت می پنداری ، در حالی که کوهها مانند ابرها در سیر و حرکت هستند .

۲- گردش خورشید و ماه : خورشید دارای سه نوع حرکت ؛ وضعی (به دور خود با سرعت ۳۶۰۰ کیلومتر در ساعت) و انتقالی (حرکت به همراه منظومه ی شمسی با سرعت ۱۹/۵ کیلومتر در ثانیه) و حرکت به دور مرکز کهکشان است .

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا^ج ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
یس/ ۳۸ و خورشید به سوی قرارگاه خود در حرکت است ، این محاسبه و اندازه گیری و تعیین خدای بس چیره و توانا و دانا است
وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ^ج یس/ ۳۹ برای ماه نیز منزلگاههایی تعیین کرده ایم .

۳- خروج از نیروی جاذبه ی زمین : از جمله مسائل و آرزوهای بزرگی که در طول تاریخ و مخصوصاً در قرن بیستم ذهن و اندیشه ی اندیشمندان را به شدت به خود مشغول کرده بود خروج

از زمین و صعود و فرود در دیگر کرات آسمانی بود که برای اولین بار انسان در سال ۱۹۶۱ به این آرزوی دیرینه ی خود رسید .

يَمَعَشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ
أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا ۚ لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا

بِسُلْطَنِ ﴿٣٣﴾ الرحمن/۳۳ ای گروه جن ها و انسانها اگر

می توانید از نواحی آسمانها و زمین بگذرید ، بگذرید . ولیکن نمی توانید بگذرید مگر با قدرت .

۴- کاهش اکسیژن در ارتفاعات : قبل از اختراع هواپیما و بالگرد کسی نمی دانست که تا ارتفاع ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ کیلومتری هوا وجود دارد و بعد از آن هوایی جهت تنفس موجود نیست و هرچه به طرف آسمان بالا رویم از حجم اکسیژن هوا کاسته می شود و عمل تنفسی به سختی انجام می گیرد .

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ، يَشْرَحْ صَدْرَهُ، لِلْإِسْلَامِ ۗ وَمَنْ
يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ، تَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا
يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَلِكَ تَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ انعام/۱۲۵ آن کس را که خدا

بخواهد هدایت کند سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده می سازد و آن که را خدا بخواهد گمراه و سرگشته کند سینه اش را به گونه ای تنگ می سازد که گویی به سوی آسمان صعود می کند .

۵- بارور کردن ابر : در ابر نیروی الکتریسته وجود دارد و بر این اساس ابرها دو نوعند : ۱- ابر با بار الکتریسته مثبت ۲- ابر با بار الکتریسته منفی . بارش فقط در صورتی امکان پذیر است که توسط باد این دو نوع ابر (مثبت و منفی) باهم ترکیب شوند ، چون هیچ یک از دو نوع ابر به تنهایی به بارش تبدیل نخواهد شد .

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ تَخْرُجُ مِنْ

خَلِيلِهِ ۗ روم/۴۸ خدا کسی است که بادها را وزان می سازد و

بادها ابرها را بر می انگیزند ، سپس خدا آن گونه که بخواهد ابرها را در آسمان می گستراند و آنها را به صورت توده هایی بالای یکدیگر انباشته و متراکم می دارد و (پس از تلقیح) تو می بینی که از

لابلای آنها بارانها فرو می بارد .

۶- کوهها : دانشمندان به تازگی پی برده اند که زمین حرکات سریع و گوناگونی دارد و گاهی از اوقات گازهای متراکمی که در اندرون آن ذخیره شده اند با شدت و همراه با انفجار از آن خارج می گردند . اگر کوهها نبودند قشر زمین دائماً در حال لرزش بود و زندگی بر روی آن غیر ممکن می شد .

کوهها همچون میخ قسمت اعظم آنها در دل زمین قرار دارند و زمین را از متلاشی شدن حفظ می کنند .

ابرها در اثر برخورد به کوهها برگشته و با ابرهای دیگر که دارای بار متضاد هستند برخورد کرده و تشکیل باران می دهند .

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ﴿٦﴾ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ﴿٧﴾ نبأ/۷-۶

آیا ما زمین را جایگاه آماده ای (برای زندگی شما انسانها) ساخته ایم و کوهها را میخ هایی (برای نگهداری زمین در برابر فشار مواد درونی) ننموده ایم .

۷- انگشت نگاری : انسانها هر چند از نظر رنگ پوست ، نژاد ، استعداد ، توانایی و ویژگیهای جسمانی شباهت هایی باهم دارند ، اما از میان انسانهای اولین و آخرین هرگز دو کس را نخواهی یافت که اثر انگشت آنها یکسان باشد ، چون اثر انگشت هر کس مختص

به خود او می باشد . حتی با سوزاندن پوست انگشتان ، در صورت رشد مجدد پوست ، تغییری در اثر انگشت فرد ایجاد نخواهد شد و امروزه این دانش در شناسایی هویت افراد بالاخص جنایتکاران کاربرد زیادی دارد .

أَحْسَبُ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ جَمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَدَرِينَا

عَلَىٰ أَنْ نَسُوِيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾ قیامه ۳-۴ آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای (پوسیده و پراکنده ی) او را گرد نخواهیم آورد ، آری (آنها را گرد می آوریم) ما حتی می توانیم سر انگشتان او را کاملاً همسان خودش بیافرینیم (و به حال اوّل باز گردانیم) .

اعجاز قرآن در زمینه ی اخبار غیبی

۱- غلبه ی روم : قبل از هجرت مسلمانان به مدینه ، جنگی میان روم و ایران در گرفت و در این جنگ رومیان شکست خوردند و این حادثه سبب خوشحالی و شماتت مشرکان مکه شد که هم کیشان آنان (مشرکهای ایران) بر هم کیشان مسلمان (اهل کتاب) پیروز شده اند ...

خداوند متعال به منظور دلداری مسلمانان و اثبات اعجاز قرآن ، پیروزی رومیان بر ایرانیان را در کمتر از ۹ سال آینده مژده داد ...
 اَبی ابن خلف از مشرکان مکه به امید کذب این خبر غیبی با حضرت ابوبکر بر صد شتر شرط بندی کرد ... پس از ۷ سال مقارن با صلح حدیبیه این خبر غیبی به وقوع پیوست و حضرت ابوبکر شترها را از وارثین ابی ابن خلف دریافت کرد و در راه خدا انفاق نمود ... **غُلِبَتِ الرُّومُ ﴿۲﴾ فِي آدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ**

عَلَيْهِمْ سَيُغْلَبُونَ ﴿۲﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ... روم/۴-۲
 رومیان از ایرانیان شکست خورده اند (این شکست) در نزدیکترین سرزمین (به دیار عرب - نواحی شام - رخ داده است) و ایشان پس از شکستشان در مدت چند سالی پیروز خواهند شد .

۲- اختراع وسایل نقلیه : **وَالْحَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ**

لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَتَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۸﴾ نحل/۸

و (خدا) اسب ها و استرها و الاغ ها را (آفریده است) تا بر آنها سوار شوید و زینتی باشند (که به دلهایتان شادی بخشند و

خداوند) چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافت ها) می آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی دانید ...
 ۳- سخن گفتن حیوانات : امروزه دانشمندان ثابت کرده اند که حیوانات علاوه بر زبان مادری ، یک زبان رسمی و بین المللی دارند که به کمک آن ، زبان همدیگر را می فهمند و در مواقع خطر از طریق این زبان ، همگان را از وجود خطر مطلع می کنند ...

قَالَتَ نَمَلَةٌ يَتَأْتِيهَا النَّملُ ادَّخُلُوا مَسْكِنَكُمْ لَا

تَحْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾

نمل/ ۱۸ (هنگامی که حضرت سلیمان و لشکریان به دره ی مورچگان رسیدند) مورچه ای گفت : ای مورچگان به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش بدون اینکه متوجه باشند (ندانسته) شما را پایمال نکنند ...

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ

وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾ نمل/ ۲۲ چندان طول

نکشید (که هدهد برگشت و) گفت من بر چیزی آگاهی یافته ام

که تو از آن آگاه نیستی من برای تو از سرزمین سبأ یک خبر قطعی
و مورد اعتماد آورده ام ...

قرآن مملو از اخبار غیبی ؛ همچون سرگذشت پیشینیان و حوادث و
اتفاقاتی است که در زمان پیامبر (ص) به وقوع پیوسته و خداوند
قبل از وقوع ، پیامبرش را از وجود آن حوادث مطلع ساخته و هم
چنین حوادثی که تعدادی از آنها را علم ثابت نموده و بسیاری هم
همچنان در پرده ی ابهام باقیمانده اند که ما به منظور اثبات اعجاز
قرآن به همین اندک بسنده کردیم ...

ایمان به روز آخرت

بسم الله الرحمن الرحيم

ایمان به زندگی پس از مرگ ، یکی از مهمترین اصول و ارکان عقیده ی اسلامی است و علم و آگاهی از مراحل مختلف قیامت ، همراه با ایمان بدان ، منشأ تحرک و پویایی و عامل ایجاد تغییر در مسیر زندگی انسان خواهد بود .

یکی از اهداف بسیار مهم پیامبران در طول تاریخ ، آگاه کردن مردم از مرگ و بیدار کردن دلها و ترساندن آنها از عواقب شوم غفلت از آخرت و غرق شدن در لذایذ زودگذر دنیوی و بهره گیری از دنیا به عنوان مزرعه آخرت بوده است و ایمان به روز آخرت از چنان اهمیتی برخوردار است که پس از ایمان به خداوند در رأس همه ی امور قرار گرفته است .

ایمان به روز آخرت

بعد از توحید و ایمان به وحی و نبوت ، یکی دیگر از ارکان عقیده ی اسلامی ، ایمان به روز آخرت می باشد. بدین معنی که ما انسانها بعد از مرگ، دوباره زنده شده و در صحرای محشر در دادگاه عدل الهی حضور یافته ، مورد محاکمه و محاسبه قرار خواهیم گرفت و در نهایت نیکوکاران به پاس نیکیهایشان به بهشت می روند و بدکاران به سزای بدیهایشان روانه ی دوزخ می شوند...

مرگ

مرگ از جمله اموری است که برخلاف میل باطنی آدمی واقع می شود. و از اسراری است که انسان از درک حقیقت و چگونگی آن عاجز است و هیچ نیرویی قادر نیست در برابرش مقابله و مقاومت از خود نشان دهد. حقیقتی است غیر قابل انکار، که به همگان حمله ور می شود و تا قبض روح ننماید دست بردار نیست و از کسی باکی ندارد. خانه پادشاه و گدا، غنی و فقیر، ارباب و رعیت برایش یکسان است و هنگام وقوع لحظه ای تاخیر روا نمی دارد.

در تفسیر طبری آمده است هنگامی که، حضرت سلیمان در ایام کهولت بر اثر ضعف و پیری در محراب معبدش بر عصایش تکیه زده بود و مشغول ذکر و عبادت خداوند متعال بود، ناگاه شخصی در مقابلش پدیدار می گردد. حضرت سلیمان هم با لحن تندی او را مورد خطاب قرار می دهد که چرا بدون اجازه وارد شده ای؟ او هم می گوید: من کسی نیستم که نیاز به اجازه داشته باشم، تو و غیر تو برای من یکسان است من ملک الموتم و آمده ام تا جانت را بستانم...

حضرت سلیمان با لحن متواضعانه ای می گوید : اگر ممکن است مرا لحظه ای رخصت ده تا امور مملکت به دیگری سپرده و با اهل خانه وداع نمایم .

ملک الموت گوید : نه تنها اجازه این کارها را نداری ، حتی اجازه نشستن هم نمی دهم بلکه باید ایستاده قبض روح شوی!!
حضرت سلیمان قبض روح می شود و در همان حال می ماند و دیگران می پندارند که او مشغول راز و نیاز است و کسی جرأت نمی کند به او نزدیک شود . تا بعد از مدتی موریانه عصایش را می خورد و آن حضرت نقش بر زمین می شود و می بینند که زمان بسیاری است که او فوت کرده است .

فرشته ی مرگ

قبض روح از جمله امورات غیبی است که کیفیت آن از محدوده علم انسان خارج است و کسی جز پروردگار عالمیان از حقیقت آن آگاه نیست ... آندم که اجل کسی فرا رسد فرشتگان مرگ بر بالین او حاضر شده، جانش را می گیرند .

ملک الموت به عنوان فرمانده ی فرشتگان مرگ ، در رأس آنها قرار دارد.

فرشتگانی که مأمور به گرفتن جان مؤمنان می باشند و معمولاً با سیمایی نورانی و نیکو و خندان بر مؤمن در حال احتضار، ظاهر شده و او راقبض روح می نمایند.

فرشتگانی هم که مأمور به گرفتن جان کفار ، منافقان ، مشرکان و بدکاران می باشند ، با سیمایی ترسناک و خشمگین و عبوس بر شخص در حال احتضار، ظاهر شده و او را در نهایت سختی قبض روح می نمایند ...

احوال آدمیزاد پس از مرگ

مرگ مسیری است خواه به اکراه و اجبار و خواه به رغبت و اختیار باید طی کرد. برای دل بستگان به دنیا دردِ فراق و جدایی از همگان، بر آنها سخت عذاب دهنده است : جدایی از جسم ، از همسر ، از فرزندان ، از وطن ، از خانه و کاشانه ، از دوستان و اقوام ، از مال و ... غم و حسرت از دست دادن آن همه بر او سایه می افکند . همگان تنهایش می گذارند و رهایش می کنند در این میان ، یگانه همراه وفادارش اعمالش است و تا او را به مقصد نهایی نرساند تنهایش نمی گذارد ...

مؤمن گرچه ممکن است از مرگ اکراه داشته باشد ، اما بعد از گذشت لحظاتی غم و اندوهش زدوده خواهد شد و هرگز تمایلی به

بازگشت نخواهد داشت زیرا به زودی از نعمت های پروردگار برخوردار می شود ، و احساس غربت و دوری نمی کند.

پیامبر (ص) فرماید : همانا مرده کسانی که او را غسل می دهند و به گورستان حمل می کنند و در قبر می نهند، بخوبی می شناسد ... چون کسی بمیرد و مردان جنازه اش را بر دوشها (بسوی گورستان) حمل کنند ، اگر فرد صالحی باشد گوید : مرا زودتر ببرید ، سریعتر ببرید ... و اگر ناصالح باشد گوید : ای وای کجا می برید ؟ همگان جز انسان صدایش را می شنوند و اگر انسان صدایش را بشنود ، خواهد مرد .

به تاکید هنگامی که شخص در قبرش قرار می گیرد و همراهانش بسوی خانه بر می گردند ، و او در آن حال صدای کفشهایشان را می شنود . دو فرشته به نزدش می آیند و او را می نشانند و به او می گویند : در باره این مرد - محمد(ص) - چه دیدگاه و تصویری داشته ای؟ پس اگر مؤمن باشد می گوید: شهادت می دهم که او بنده و فرستاده ی خدا است ، سپس به او گفته می شود بنگر به جایگاهت در آتش که خداوند آن را به آن جایگاه در بهشت تبدیل نمود ، پس او هر دو نشیمنگاه خود را (در دوزخ و بهشت) می بیند . و اما اگر فرد ، کافر یا منافق باشد به او می گویند : در باره این مرد- محمد(ص) - چه موضعی داشته ای ؟

او هم گوید: نمی دانم آنچه که مردمان می گفتند من هم همان چیزها را می گفتم . به او گفته می شود : حقیقت را درک نکرده ای و وظیفه ات را ادا ننموده ای و با گُرز آهنین ضربه ی محکمی بر فرق او فرود می آورند ، و او چنان فریادی می زند که همگان جز جن و انسان می شنوند.

عذاب قبر

انس (رضی الله عنه) گوید : در خدمت پیامبر(ص) از کنار قبرستانی عبور کردیم ، آن حضرت صدایی از قبری شنید و پرسید: این شخص کی مرده است؟ گفتند : در جاهلیت (قبل از بعثت) مرده است پیامبر(ص) خوشحال شد (چون دانست قبل از بعثت مسئولیتی متوجه وی نیست) و فرمود : اگر بیم آن نداشتم که اموات خود را دفن نکنید از خداوند طلب می نمودم که عذاب قبر را به شما بشنواند .

بی شک مردگان در قبرهایشان شکنجه می شوند و حیوانات صدای آه و ناله ی آنان را می شنوند .

همچنانکه خفته در خواب می بیند و می شنود و لذت می برد و عذاب می بیند ولیکن ما که از نزدیکترین کسان به او هستیم از وضع و حال او خبر نداریم ، عذاب قبر را هم ما احساس نمی نماییم.

عالم برزخ

برزخ عالمی را گویند که میان دنیا و آخرت قرار دارد ، و روح بعد از جدایی از جسم بدان عالم برده می شود ، و تا قیام قیامت در همانجا باقی می ماند .

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود : مؤمن چون قبض روح شود، اهل رحمت از سوی پروردگار به استقبالش می آیند ، آنچنانکه برای مژده و بشارت در دنیا به استقبال کسی می رفتند . می گویند : به برادر خود لحظه ای فرصت دهید تا بیاساید ، او مرحله ی سختی را پشت سر نهاده است. پس از اومی پرسند : فلان مرد چه کرد ؟ و فلان زن چه کرد؟ آیا فلانی ازدواج کرد ؟ و چون از کسی پرسند که پیش از او مرده باشد و گوید ، قبل از من مرده است . گویند : “ إنا لله ” او را به محل عذاب سخت برده اند ...

پایان عالم هستی

همچنانکه هر مخلوق و موجود زنده ای اجل و پایانی دارد ، روزی هم فرا خواهد رسید که زنگ به آخر رسیدن عمر زمین به صدا در خواهد آمد . در قرآن از آن لحظه به عنوان ساعت موعود یاد شده است و زمان فرا رسیدن آن را کسی جز پروردگار عالمیان نمی داند .

علائم نزدیک بودن ساعت موعود

کسی جز الله از زمان فرارسیدن ساعت موعود آگاهی ندارد ، اما پیامبر (ص) از حوادث و اتفاقاتی یاد کرده است که قبل از وقوع ساعت موعود روی می دهد ، که بر نزدیک بودن زمان موعود اشاره دارند . از جمله ی آن علائم :

- ۱- فراوانی تعداد زنان
- ۲- فراوانی ثروت
- ۳- کشف معادن بسیار
- ۴- توسعه علم و تکنولوژی
- ۵- جنگ سخت مسلمانان با یهود
- ۶- نزدیک شدن فاصله ها و کم شدن کار و فعالیت

فضل عبادت در آخر زمان

در سالهای نزدیک به وقوع ساعت موعود(آخرزمان) بتدریج شرم و حیا و عفت و پاکی ، از منزلت و ارزش و اعتبارش کاسته می شود، و مردمان فحشاء و منکرات و بی حیایی را مایه ی مباحات خود می دانند ، و تقلید از گمراهان و فاسدان را افتخار می پندارند و دوری از گناه و عبادت پروردگار بر مؤمنین بسیار سخت و طاقت فرسا می شود ... پیامبر (ص) در این باره می فرماید : « بر

مردمان روزگاری خواهد آمد که دینداری و پای بندی بدان ، همچون ایستادن بر روی آتش (و یا در دست گرفتن پاره ای آتش) خواهد بود .»

علائم ساعت موعود

حذیفه ی غفاری (رض) گوید : با عده ای از اصحاب سرگرم بحث و گفتگو بودیم که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر مجلس ما وارد شد و فرمودند : در چه موردی گفتگو می کنید ؟ گفتند : در مورد ساعت موعود پیامبر (ص) فرمود :

ساعت موعود فرا نمی رسد تا قبل از آن ده آیه ببینید . پس آن نشانه ها را نام برد و فرمود: دود ، آمدن دجال، خروج عیسی ابن مریم ، آمدن یاجوج و ماجوج ، و سه بار فرو رفتن زمین ، فرو رفتگی در شرق و یکی در غرب و دیگری در سرزمین حجاز ، و آخرین نشانه ، پدیدار شدن آتشی است از یمن که مردمان را بسوی محشرشان جمع می نماید ...

دجال :

دجال لقب شخصی است یهودی ، که ادعای الوهیت می نماید و پیروان زیادی دارد و اکثر پیروانش یهودی می باشند ، در احادیث پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در باره ی او آمده است :

- دجال مردی است کوتاه قد که لنگان لنگان راه می رود و موهایش جعد و پیچیده و چشم چپش علاوه بر کوری صاف است و زبری و گودی در آن (قسمت چشم چپ) موجود نیست.

- دجال ظهور می کند و آب و آتشی به همراه دارد ، پس آنچه را که مردمان آب می پندارند آتش سوزان است ، و آنچه را که مردمان آتش می پندارند آب گوارا است ، پس هر کس از شما ظهور دجال را دید ، پس خویشتن را در آنچه که آتش می پندارد بیندازد ، همانا آن آبی پاک و گوارا است ...

- در پیشانی دجال کلمه ی کافر نوشته شده است و هر کس مخالف اعمال و رفتار وی باشد آن کلمه را می خواند.

- هیچ شهر و دیاری نیست مگر اینکه دجال به آن وارد می شود ، جز مکه و مدینه ، در تمام مسیرها فرشتگان به صف ایستاده و مانع ورود دجال می شوند ، پس دجال در مکانی سنگلاخی در نزدیک مدینه فرود می آید و در این حال شهر مدینه ، سه بار پیایی به لرزه در می آید و هر آنچه کافر و منافق در شهر است ، از شهر خارج شده و به نزد دجال می روند.

خلافت مهدی:

بنا به احادیثی به روایت امام ابوداود ، در سالهای قبل از وقوع ساعت موعود ، از اهل بیت پیامبر (ص) نوزادی بنام محمد ابن

عبدالله پا به عرصه ی وجود می گذارد که ایام جوانیش با حوادث ناگوار و فتنه های بسیار قرین است ، سرانجام مسلمانان با توجه به شایستگی هایش او را به عنوان پیشوای خود برگزیده و با وی بیعت می کنند و او هم یک حکومت اسلامی جهانی تشکیل می دهد و جهان را پر از عدل و داد می نماید و مدت زمامداری وی هفت سال بطول می انجامد ، و سپس فوت کرده و مسلمانان بر وی نماز می خوانند ...

نزول حضرت عیسی (ع):

حضرت عیسی (ع) قبل از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) آخرین پیامبر اولوالعزمی است که در میان قوم بنی اسرائیل مبعوث شده است، و چون ندای توحید او مقام و منزلت اشراف یهود را به مخاطره انداخت ، نقشه قتل وی را کشیدند ، اما به اشتباه شخص دیگری را به دار آویختند ، و خداوند حضرت عیسی را از مکر یهود نجات داد، و بسوی خود بالا برد.

پیامبر(ص) هم در باره ی بازگشت وی می فرماید : سوگند به کسی که جانم در قبضه ی قدرت او است نزدیک است عیسی پسر مریم بر شما فرود آید ، که حاکمی عادل و دادگر است و صلیب را می شکند و خوک را می کشد (و خوردنش را بر همگان حرام می کند) و بر اهل ذمه جزیه مقرر می نماید و چنان عدالت

بر قرار می نماید و مال فراوان می شود که کسی یافت نمی شود که زکات و صدقات را بپذیرد و در آن ایام یک سجده ، از دنیا و آنچه در آن است بهتر و با ارزشتر است.

حیوان سخنگو :

در زمانهای نزدیک به وقوع ساعت موعود جنبنده ای ظاهر می شود که با مردمان سخن می گوید و مردمان هم سخنان او را فهمیده و با او گفتگو می نمایند .

خروج یاجوج و ماجوج:

یاجوج و ماجوج موجودات و یا اقوام وحشی و جنایتکار بوده اند که در زمان ذی القرنین ، قوم همسایه آنها از حملات وحشیانه و شبیخونهایشان به تنگ آمده وشکایت نزد ذی القرنین بردند . ذی القرنین هم سد محکمی میان آنها و یاجوج و ماجوج بنا کرد تا از حملات آنها جلوگیری نماید . هیچ کس از محل ساخت سد و محیط زیست یاجوج و ماجوج خبر ندارد، اما در دورانهای نزدیک به ساعت موعود سد را شکسته و به جهانیان حمله ور می شوند .

فرو رفتگی و حرکات طبقات زمین:

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در این باره می فرماید : قبل از وقوع قیامت سه زمین لرزه شدید و پی در پی و فراگیر ، در مشرق

و مغرب و شبه جزیره عربستان روی میدهد و زمین مردمان بسیاری را به درون خود فرو می برد.

آتش سوزی بزرگ:

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: ساعت موعود فرا نمی رسد تا اینکه آتشی در سرزمین حجاز برافروخته شود بطوری که (در اثر شدت شعله های آن) گردن شتر (در شب تاریک) در بُصری دیده می شود.

نسیم یمنی:

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: همانا خداوند نسیمی از یمن بر می انگیزد که از ابریشم نرمتر است و هر مؤمنی که به اندازه ذره ای ، ایمان در قلبش موجود باشد ، آن را استشمام نماید ، قبض روح می شود. در این هنگام در روی کره ی زمین کسی را نخواهی یافت که کلمه « الله » را بر زبان آورد .

وقوع ساعت موعود

اولین نشانه ی وقوع ساعت موعود ، طلوع خورشید از مغرب است که پیامبر (ص) در این باره می فرماید:
ساعت موعود فرا نمی رسد تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند و در آن حال همه ی مردمان ایمان می آورند ولیکن اگر قبلاً مؤمن

نبوده باشند ، ایمان آنها در آن حال سودی به حال آنها نخواهد داشت .

پس از آن ، عذابهای سخت و پی در پی بر کفار نازل می شود و ترس و وحشت همگان را فرا می گیرد...

- آسمان شکافته می شود ، خورشید در هم پیچیده می شود ، ستارگان تیره و تار می گردند و فرو می افتند و از هم می پاشند و پخش و پراکنده می شوند هنگامی که ستاره ها محو و تاریک می گردند ، دریاها سراسر برفروخته می گردند و منفجر می شوند زمین سخت به تکان و لرزه انداخته می شود. و کوهها سخت درهم کوبیده می شوند و ریزه ریزه می گردند . و به صورت گرد و غبار پراکنده در می آیند.

دمیدن در صور

صور شیپوری است در دست اسرافیل ، یکی از فرشتگان مقرب الهی ، که در آخر زمان بعد از وقوع تمام رویدادها و حوادث به امر خداوند در صور می دمند و هر موجود زنده ای (جن و انسان و حیوان و فرشته و...) که در آسمانها و زمین موجود است ، جز کسانی که خداوند بخواهد همه می میرند .

پیامبر(ص) لحظه ی فرا رسیدن آن واقعه را اینگونه تصویر می نماید : ساعت موعود در حالی فرا می رسد که دو نفر در حال معامله ی لباسند و آن را در بین خود پهن کرده اند ، پس آن لباس نه به فروش می رسد و نه جمع می شود . و در حالی آن لحظه ی هولناک فرا می رسد که مردی لیوانی شیر در دست دارد و می خواهد از آن بنوشد پس هرگز از آن نمی نوشد . و در حالی آن حادثه روی می دهد که مردی در حال پاک نمودن حوض خانه اش است ، اما هرگز از آب آن نمی نوشد. و در حالی ساعت موعود فرا می رسد که مردی لقمه ی غذا به طرف دهانش بالا می برد اما هرگز آن را نمی خورد .

دمیدن در صور برای بار دوّم

بعد از آنکه همه ی آدمیان و کلیه ی موجودات زنده ، به امر خداوند هلاک شدند و حتی یک موجود زنده هم در قید حیات باقی نماند و انقلابات کیهانی هم پایان یافتند . سکون و سکوت مطلق بر جهان سایه می افکند . کسی جز الله جل جلاله نمی داند این سکوت مطلق چندین سال به طول می انجامد ... پس از گذشت سالهای بسیار ، خداوند متعال بارانی بر زمین فرو می باراند ، که با ریزش آن بهار مردگان آغاز می شود و همه ی مردگان ، همچون گیاهان ، سر از دل خاک بیرون آورده ، به صورت

کالبدهای بی روح و جان همچون سربازان ، به حالت خبردار روی زمین قرار می گیرند.

به امر خداوند متعال ، اسرافیل زنده شده و برای بار دوم در صور می دمدم ناگاه با بازگشت روحها به جسم ها همگان زنده شده و بسوی محشر رهسپار می شوند .

حشر آدمیان

به امر خداوند متعال همگان لخت و عریان و پابرنه در صحرای محشر جمع می شوند . حضرت عایشه (رض) گوید ، گفتم ای رسول خدا (ص) زنان و مردان با هم هستند بعضی همدیگر را می نگرند ! پیامبر(ص) فرمود : ای عایشه ، احوال (آن ساعت) شدیدتر از آن است که بعضی در فکر نگرستن و نظر کردن باشند. در آن روز خورشید نزدیک و نزدیکتر شده و گرما و حرارتش چندین برابر می شود و مردمان به قدر اعمال ناپسند خود ، در عرق خود غرق می شوند پس بعضی تا قوزک پا و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی کاملاً در عرق ، غرق می باشند

در چنان روز سختی که مردمان در اثر شدت گرما و تشنگی و گرسنگی سالهای بسیار در عذابند و کودکان پیر می شوند ، هفت گروه به سبب اعمال نیک خود در پناه خداوند متعال محفوظ و در زیر سایه ی عرش الهی در آرامش و آسایش اند :

- ۱- پیشوای دادگر
- ۲- جوانی که در عبادت خدا ایام جوانی را سپری کرده است.
- ۳- مردی که قلبش معلق و وابسته به مساجد باشد
- ۴- دوکس که بخاطر محبت خداوند دوست شوند و بخاطر خدا از هم جدا شوند .
- ۵- مردی که ، زن صاحب جمال و منصبی او را جهت گناه بسوی خود فرا خواند ، پس او بگوید : من از خداوند می ترسم .
- ۶- کسی که مخفیانه در راه خدا انفاق کند بطوری که دست چپش نداند که دست راست انفاق کرده است .
- ۷- کسی که با اخلاص تمام خداوند را یاد کند و چشمانش را اشک فرا گیرد.

نامه اعمال

از روزی که انسان به حد تکلیف شرعی (بلوغ) می رسد تا لحظه ای که جان می سپارد . دو فرشته مأموریت ثبت و ضبط اعمال او را به عهده دارند، و هر آنچه گوید و شنود و نیت کند و انجام دهد در نامه ی اعمالش ثبت و ضبط می گردد .

در آن روز نامه ی اعمال هر کس را به دست خودش می دهند و خطاب به وی می گویند :

کتاب (اعمال) خود را بخوان . کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی .
- روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده می بیند و دوست می دارد میان او و آنچه از بدی انجام داده فاصله زیادی می بود... .

سیمای مجرمان در روز قیامت

گناهکاران با قیافه هایشان شناخته میشوند ، و ایشان با سرها و پاها گرفتار می شوند (فرشتگان سرها و پاهایشان را می گیرند و می کشند).

سیمای سخن چینان: سخن چینان کسانی اند که میان مسلمانان آتش فتنه و دشمنی و عداوت بر می افروزند که خداوند با قیافه ی زشت و ناخوشایندی آنها را مبعوث و محشور می نماید : هر کس در دنیا دو رو بوده باشد در روز قیامت دو زبان آتشین دارد .

سیمای غیبت کنندگان: آنانکه پشت سر ، رازها و اسرار و عیوب و آنچه را که دیگران از آشکار شدنش اکراه دارند ، آشکار و بر ملا می سازند ، خداوند متعال آنها را در روز قیامت به گونه ای محشور می نماید که همگان از روبرو شدن با آنان اکراه دارند، چون بوی دهنشان به شدت دیگران را می آزارد.

سیمای قاتل: مقتول در روز قیامت یقه قاتل را می گیرد و در مقابل تمام مردم او را بسوی دادگاه الهی می کشد و می گوید: پروردگارا از این بپرس؛ چرا مرا کشته است .

سیمای حسودان: آنان که نسبت بدانچه که خداوند از فضل و نعمت خود بدیشان عطا کرده است بخل می ورزند گمان نکنند که این کار برای آنان خوب است و به سود ایشان است ، بلکه این کار برای آنان بد است و به زیان ایشان تمام می شود. در روز قیامت همان چیزی که بدان بخل ورزیده اند طوق ایشان می گردد .

سیمای عالم بی عمل: « در روز محشر روده های عالمان بی عمل روی زمین کشیده می شود و اهل محشر بر روی آنها می گذرند ، چون از آنها پرسیده می شود چرا چنین حالی دارید ؟ گویند : دیگران را امر به نیکی می کردیم و خود انجام نمی دادیم و از بدی باز می داشتیم ولی خود مرتکب می شدیم »

سیمای اعراض کنندگان از ذکر خدا: و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند) ، زندگی تنگی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا گرد می نمائیم ...

آغاز محاسبه و محاکمه

بعد از اجابه ی دعاهاى پیامبر(صلی الله علیه وسلم) و قبول شفاعت ، فرشتگان از آسمان فرود می آیند و حاملان عرش ، عرش پروردگار را به صحنهٔ محشر می آورند و فرشتگان صف های مرتب و منظمی تشکیل داده و یک صدا می گویند : « سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبْرُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ الَّذِي يُمِيتُ الْخَلَائِقَ وَ لَا يَمُوتُ » سپس خداوند متعال به صحرای محشر شرفیاب می شود :

خداوند متعال کلامش را باتلاوت آیات قرآن کریم آغاز می نماید و خطاب به اهل محشر فرماید :

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾ يَتَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَّا

عَرَّفَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿٦﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوِّكَ

فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾ انفطار / ۸-۵

ای انسان ! چه چیز تورا در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است و در حق او گولت زده است . پروردگاری که تو را آفریده است و سپس سر و سامانت داده است و بعد معتدل و متناسبت کرده

است . و آنگاه به هر شکلی که خواسته است تو را در آورده و ترکیب بسته است .

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ^ط
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦١﴾ وَأَنْ أَعْبُدُونِي^ج هَذَا صِرَاطٌ

مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ یس/ ۶۱-۶۰ ای آدمیزادگان ! مگر من به شما

سفارش نمودم و امر نکردم که اهریمن را اطاعت نکنید ، چرا که او دشمن آشکار شما است.

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ^ج لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ^ج

امروز هر کسی در برابر کاری که کرده است جزا و سزا داده می شود هیچگونه ستمی امروز وجود نخواهد داشت ...

خداوند متعال محاکمه را شروع می نماید و ابتدا پیامبران جهت محاکمه احضار می شوند و چگونگی دعوت و انجام تکلیف رسالت را از آنها جويا می شود

بعد از پایان محاکمه ی پیامبران ، محاسبه ی دیگر اقشار آغاز می شود . جبرئیل مردمان را با صدای بلند آواز دهد : ای فلان پسر

یا دختر فلان در موقف محاکمه حاضر شو. پس اگر از حضور امتناع ورزد، فرشتگان کشان کشان او را به پشت میز محاکمه می برند. پیامبر (ص) فرماید: کسی از شما نیست مگر اینکه در روز قیامت با خداوند متعال شخصاً سخن خواهد گفت، در حالی که میان او و پروردگارش کسی مترجم نیست.

صفت میزان

میزان به معنی سنجیدن و وزن نمودن می باشد. در روز قیامت بعد از تحویل و رؤیت نامه ی اعمال، نیکیهها و بدیههای هر مؤمن و مجرمی با ترازوی الهی سنجیده می شود و هر مؤمنی بنا به میزان اعمال صالحش مقامات سعادت را در بهشت دارا می شود، و هر مجرمی بنا به میزان اعمال ناروایش جایگاهش در طبقات دوزخ معین می شود. و به اندازه ی وزن یک اتم و کمتر از آن هم به کسی ظلم نمی شود.

پس از سنجش اعمال و پایان محاکمه و محاسبه مردمان سه گروه می شوند:

۱- کفار، مشرکین و منافقین: اینان چون دشمن خدا و دین خدا بوده اند برای همیشه در دوزخ معذب خواهند بود.

۲- انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین: اینان کسانی بوده اند که دامان خود را به گناه نیالوده اند و عمر خود را در تبلیغ و دعوت و

عبادت و پرهیزکاری سپری کرده و اهل قیام اللیل بوده اند، اینان در کمال آسایش و آرامش برای همیشه در بهشت خواهند بود.

۳- مرتکبین اعمال نیک و بد : کسانی اند که اعمال بد آنان از نیکیهایشان سنگین تر بوده است و باید به میزان جرمشان در دوزخ حساب پس دهند و پس از آن از دوزخ خارج خواهند شد .

قصاص

قصاص ؛ عبارت است از دادن حق به ذی حق ، و گرفتن حقِ مظلوم از ظالم . در روز قیامت بعد از سنجش اعمال نوبت به قصاص می رسد.

پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در ارتباط با قصاص خطاب به اصحاب فرمود : آیا می دانید مفلس کیست؟ گفتند : در میان ما مفلس کسی است که پول و سرمایه ای ندارد . پیامبر (ص) فرمود : همانا مفلس امت من کسی است که روز قیامت با نماز و روزه و زکات می آید ، اما کسانی را اذیت کرده و کسانی را دشنام داده و مال عده ای را به ناحق پامال کرده و خون عده ای را به ناحق ریخته و عده ای را مورد ضرب و شتم قرار داده است . پس از حسنات او به صاحبان حق داده می شود و اگر حسناتش کافی نبود ، سزای گناه صاحبان حق بر او تحمیل می شود و سپس در آتش افکنده می شود ...

پل صراط

« صراط پلی است بر روی دوزخ ، که باید همگان از روی آن پل بگذرند . این پل برای کفار و مشرکین از مو باریکتر و از الماس برنده تر است ، اما اهل ایمان با توجه به میزان تقوا و اخلاص خود از روی پل می گذرند ، پس برخی همچون برق و بعضی چو باد و بعضی با سرعت اسب و اشتر و بعضی هم بطریق معمولی و بعضی دیگر به سختی می گذرند. بر روی پل و کناره های آن خارهای آهنی قلاب مانندی آویزان است که مأمور به گرفتن و زخمی نمودن اهل شقاوت می باشند و هر آنکه گرفتار شود به عمق دوزخ پرت می گردد ... »

ورود به دوزخ

پس از پایان محاکمه و محاسبه ، همگان وارد دوزخ می گردند و مناظر هولناک و عذابهای سخت را مشاهده می نمایند ، سپس پرهیزگاران نجات یافته و ستمگران ذلیلانه در آن رها می شوند.

روز فصل و جدایی

پس از ورود به دوزخ فرمان خداوند متعالّ دالّ بر جدایی نیکوکاران از بدکاران بر مردمان قرائت می شود . راستی باید گناهکاران در آندم چه حالی داشته باشند هنگامی که امر می شود:

ای بزهکاران امروز (از مؤمنان) جدا و بدور شوید . این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد...
با چشمان خود می بینند کاروان مؤمنان دسته دسته بسوی بهشت رهسپار می شوند و آنها را در میان شعله های سوزان آتش رها می کنند آیا بر درد جدایی بگریند یا بر عذاب سخت دوزخ ...
در آن روز ستمکار هر دو دست خویش را (از شدت حسرت و ندامت) به دندان می گزد و می گوید : ای کاش با رسول خدا راه (بهشت را) برمی گزیدم . ای کاش من فلانی را به دوستی نمی گرفتم. بعد از آنکه قرآن (برای بیداری و آگاهی) به دستم رسیده بود، مرا گمراه (و از حق منحرف و منصرف) کرد...

ورود نیکو کاران به بهشت

بعد از دیدار از دوزخ ، نیکوکاران در کمال مسرت و شادی بسوی بهشت رهسپار می شوند ، چون به درِ بهشت می رسند ، نگهبانان بهشت به استقبال آنها آمده و بدیشان می گویند : درودتان باد . به نیکی زیسته اید پس خوش باشید و داخل بهشت شوید و جاودانه در آن بمانید...

آنان می گویند : سپاس و ستایش خداوندی را سزا است که با ما به وعدهٔ خویش وفا کرد و سرزمین (بهشت) را از آن ما نموده

است تا در هرجایی از بهشت بخواهیم منزل گزینیم و بسر بریم ،
پاداش عمل کنندگان (به دستورات پروردگار) چه خوب و جالب
است ...

پیامبر (ص) در باره ی درهای بهشت فرمود : بهشت هشت در
دارد پس هر کس که از اهل نماز بوده باشد برای دخول به بهشت
از باب الصَّلوة فرا خوانده شود. و هر کس از اهل روزه باشد از باب
روزه که بابُ الرِّیَان نام دارد فرا خوانده می شود . و هرکس از اهل
زکات و صدقه باشد از باب صدقه فرا خوانده شود. و هر کس از اهل
جهاد باشد از باب جهاد فرا خوانده شود.

حضرت ابوبکر (رض) پرسید : آیا کسی از همه ی درهای
بهشت فرا خوانده می شود ؟ پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمود:
آری و امیدوارم تو از جمله ی آن کسانی باشی که از همه ی درهای
بهشت فرا خوانده می شوند .

خداوند متعال فرماید : برای بندگان نیکوکارم نعمت هایی مهیا
کرده ام که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی وصفش نشنیده و
هیچ قلبی تصورش نکرده است .

حوض های بهشت

مؤمنین که مراحل بسیار سخت و جانکاه صحرای محشر و مراحل بعد از آن را پشت سر نهاده و مسافت بسیار زیادی را طی کرده اند ، آنچنان خسته و تشنه اند که به محض ورود به بهشت همگان در اطراف چشمه ی بسیار بزرگ حوضُ الْمَوْرُودِ و انشعابهای فراوان آن و هر امت در صف های منظم پشت سر پیامبران خود ، گرد هم می آیند .

پیامبر (ص) فرمود : من در کنار حوض راهنمای شما هستم ، هر آنکه از کنارم بگذرد از آن می نوشد و هر که از آن بنوشد هرگز تشنه نمی شود. حوض من مسافت یک ماه راه است ؟ آبش سفیدتر از شیر ، شیرین تر از عسل و نسیمش خوشبوتر از مشک و لیوانهایش همچون ستارگان آسمانند ، هر آنکه از آب آن بنوشد هرگز تشنه نمی شود .

کاخها و اتاقهای بهشت

بعد از آنکه مؤمنین از حوضهای انبیاء (عَلَیْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَام) آب شیرین و گوارا نوشیدند و لحظاتی استراحت کردند ، پس بسوی

منزل های خود در بهشت رهسپار می شوند. و هرکس خانه ی بهشتی را بهتر از خانه ی دنیوی خود می شناسد .

ابوهریره (رض) گوید از پیامبر (ص) پرسیدم : ای پیامبرخدا (ص) مصالح غرفه های بهشتی از چیست ؟ فرمود : آجری از نقره و آجری از طلا و ملاط آن از مشک زرد و سنگهایش از مروارید و یاقوت و خاکش از زعفران است ، هرکس داخل اتاقها شود از نعمتهای بسیار برخوردار می شود و هرگز بیمار نمی شود و هرگز نمی میرد و لباسهایش کهنه نمی شود و هرگز جوانیش را از دست نمی دهد .

درختان و میوه های بهشت

نعمت های دیگری که خداوند در کنار کاخهای مجلل بهشت برای نیکو کاران مهیا کرده است ، درختان سرسبز و بلند با تنه های طلایی و میوه های شیرین و متنوع و لذتبخشی است که در کنار آنها سبزه زار ها و گلستانهایی است با گلهای رنگا رنگ و ریاحین خوشبو و عطر آگین بهشتی و باغ و بوستانهای زیبایی است که در کنار آنها نهرها و جویبارهایی روان و جاری است که این زیبایی و دلربایی را پرندگان خوش آواز بهشتی کامل می کنند ... پرهیزگاران در کمال مسرت و شادمانی با همسران خود بسوی بوستانها روان می شوند و در حالی که آواز پرندگان و صدای جویبار

و آبشارها آنها را به وجد می آورد در سایه ی درختان معطر بهشتی بر روی مبله‌های ابریشمی و زرین به اتفاق هم میوه و شراب به همدیگر تعارف می کنند ، میوه هایی که نه زحمت چیدن دارند و نه زحمت پوست کندن ، تنها کافی است به آنها اشاره شود از شاخه درختان جدا شده و در ظرفهای زرین روی میزها قرار می گیرند که خوردن آنها موجب افزایش سرور و شادمانی آنها می شود .

اوصاف اهل بهشت

مؤمنان در حالی به بهشت وارد می شوند که همه ی آنان شاد و شاداب و در سنین بین ۳۰ تا ۳۳ سال می باشند و آنانکه در دنیا بعضی اوصاف و ویژگیهای خاص روانی و جسمانی و اخلاقی نامطلوب داشته اند با داخل شدن به بهشت ، همه ی ضعف ها بر طرف شده و در کمال سلامتی جسمی و روحی و کمال اخلاقی به بهشت پروردگار وارد می شوند .

بدن اهل بهشت صاف و بدون مو و چشمان آنها درشت و سیاه است ، هرگز جوانیشان از بین نمی رود و لباسهایشان کهنه نمی شود . هر آن کس از اهل بهشت خردسال و سالخورده مرده باشد ، در بهشت جوانی سی ساله خواهد شد و هر گز به عمرش افزوده نمی شود. و اگر آرزومند دیدار یکدیگر شوند پس تخت یکی

از آنان سوی تخت دیگری به پرواز در می آید و او را به نزد دوستش می برد و در کنار هم می نشینند و درباره ی آنچه که در دنیا بر آنها گذشته است سخن می گویند . پس یکی از آنان گوید : ای برادر فلان روز را بخاطر داری که خداوند متعال را عبادت کردیم و او هم امروز ما را مورد عفو و مغفرت قرار داد...

غذاهای بهشت

خداوند متعال برای مؤمنین و بندگان پرهیزگار و مقرب خود ، بهشت را به نیکوترین شیوه آراسته است ، و اهل بهشت هر آنچه آرزو کنند برایشان از قبل آماده شده است. و در آخرت برای شما هر چه آرزو کنید هست ، و هر چه بخواهید برایتان فراهم است. پیامبر (ص) در این باره می فرماید : گاه تو در بهشت پرنده ای را می نگری و (خوردن) آن را آرزو می کنی ، پس (با یک اشاره) بریان شده پیش تو می افتد .

نوشابه های بهشت

آنانکه در دنیا از نوشیدن هر گونه نوشیدنی حرام و مست کننده ای پرهیز کرده اند . برای آنان نوشابه ها و نوشیدنی های لذتبخش و

نشاط آوری مهیّا شده است که نوشیدنش علاوه بر لذت ، آدمی را به وجد و نشاط می آورد .

جواهرات و لباسهای بهشتی

مردانی که در دنیا بخاطر رعایت موازین شرعی از استعمال جواهرات و لباسهای حریر و ابریشمی پرهیز کرده اند و همچنین زنانی که بخاطر فقر و تنگدستی و یا انفاق مال خود در راه خدا و رعایت موازین اسلامی از اسراف و استعمال بیش از حد زینت آلات و جواهرات خود داری کرده اند ، خداوند متعال آنان را از نعمتهای بهشت کامیاب خواهد ساخت.

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: بر سر ایشان تاجهایی است که کوچکترین مروارید آن میان مشرق و مغرب را روشن می کند.

کشاورزی در بهشت

گاه شخص مؤمن در بهشت آرزوی کشاورزی می کند ، از خداوند اجازه می گیرد تا در بهشت کشاورزی کند. خداوند متعال هم به او می گوید : آیا آنچه که به تو داده ام برایت کافی نیست؟ و آرزوهایت را برآورده نمی نماید؟ شخص مؤمن گوید : پروردگارا ،

چرا کافی است . اما من کشاورزی و زراعت را دوست دارم . پس بذر می پاشد و به هر شیوه ای که آرزو کند مزرعه اش همان گونه خواهد بود که او می خواهد.

همچنین پیامبر(ص) در باره آرزوی فرزند داشتن در بهشت فرمود:
هنگامی که مؤمن در بهشت آرزوی فرزند نماید حامله شدن و وضع حمل و سن و سالش ، در عرض ساعتی آنچنانکه او می خواهد ، می شود

وسایط نقلیه و سواری

یکی از بزرگترین آرزوهای بشر در هر دوره ای از ادوار تاریخ ، میل به سواری و پرواز در آسمانها بوده است ، در همین راستا یکی از اصحاب از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می پرسد : ای رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) آیا در بهشت اسب هم هست ؟ فرمود : اگر خداوند متعال تو را وارد بهشت نماید به تو اسبی از یاقوت می دهند که دو بال دارد و هر جا خواستی بروی بر آن سوار می شوی . صحابی دیگر پرسید : ای رسول خدا(ص) آیا در بهشت شتر هم هست ؟ فرمود اگر خداوند تو را وارد بهشت کند هر آنچه دلت بخواهد و چشمت از آن لذت ببرد ، برای تو هست...

بازار های بهشت

در بازار های دنیا فقط کالاهای مادی یافت می شود ، اما در بازار های بهشت از کالاهای مادی و معنوی هر آنچه که تمنا کنی ،

بدون پرداخت پول خواهی یافت ... در بهشت بازاری است بدون خرید و فروش و معامله . و در آن فقط اشکال و قیافه هایی از مردان و زنان وجود دارند و شخص بهشتی هر کدام از آن اشکال را آرزو کند به همان شکل و قیافه در می آید .

آتش جهنم

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ بقره/ ۲۰۱

پروردگارا در دنیا به ما نیکی رسان و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما، و ما را از آتش (دوزخ محفوظ) نگاهدار.

پیامبر (ص) درباره شدت گرما و درجه حرارت آتش دوزخ فرمود : آتش شما ، همین آتشی که بنی آدم بر می افروزد یک هفتادم آتش جهنم گرما و حرارت دارد .

آتش جهنم علاوه بر اینکه از لحاظ درجه حرارت با آتش دنیوی تفاوت دارد ، فاقد نور و روشنایی است .

طبقات دوزخ

بعد از پایان محاکمه و صدور حکم قطعی ، دوزخیان گروه گروه بسوی دوزخ رانده می شوند ، مأموران دوزخ با تند خویی ، درها را بر روی آنها می گشایند . چون درهای دوزخ گشوده می شود و مجرمین دوزخ را از نزدیک می نگرند ، هول و هراس آنها را فرا گرفته و می گویند : پروردگارا ! آیا راهی برای برگشت به جهان و برای جبران گذشته ها وجود دارد؟...هرگز!

دوزخ هفت در دارد و هر در به طبقه ای از طبقات آن راه دارد و هر در و هر طبقه به گروهی خاصی اختصاص دارد :

۱- درک : این طبقه پایین ترین و پست ترین و بدترین طبقه دوزخ است و سخت ترین عذاب به اهل این طبقه اختصاص دارد ، اهل این طبقه سه ویژگی خاص دارد :

۱- چون به سخن در آید ، دروغ گوید .

۲- چون وعده دهد ، خلاف آن عمل کند .

۳- چون امانتی به وی سپرده شود ، خیانت کند .

بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پایین ترین مکان آن هستند و هرگز یآوری برای آنان نخواهی یافت .

- ۲- **لظی** : این طبقه به کسانی اختصاص دارد که در آزار و اذیت مظلومین زیاده روی کرده و الگوی بی رحمی و شقاوت بوده اند.
- ۳- **حطمه** : این طبقه به تهمت زندگان به مردان پاک و زنان عفیفه و پاکدامن ، و عیب جویان و مال اندوزان اختصاص دارد.
- ۴- **سقر** : این طبقه به ترک کنندگان نماز و زکات و به کفار و کتمان کنندگان حقایق و منکرین آیات خداوند اختصاص دارد.
- مأموران طبقه ی سقر از اهل سقر می پرسند: چه چیز باعث شد که به سقر افکنده شوید؟
- می گویند : از زمره نمازگزاران نبوده ایم . و به مستمند خوراک نمی داه ایم و ما پیوسته با باطلگرایان (به یاوه و عیبجویی دیگران) فرو می رفتیم و روزسزا و جزا را دروغ می دانستیم تا مرگ به سراغمان آمد .
- ۵- **جحیم** : این طبقه به کسانی اختصاص دارد که زندگی زود گذر و بی ارزش دنیا را به حیات پر برکت و دائمی آخرت برتری داده و آن را برگزیده اند ، اینان پیوسته در فکر آسایش و رفاه و خوردن و خوابیدن و خوشگذرانی و شهوترانی بوده اند و تکالیف خلیفه اللّهی را فراموش کرده و اوامر خداوند را سبک شمرده اند .

۶- سعیر: این طبقه به کسانی اختصاص دارد که با آگاهی از دستورات خداوند بجای پیروی از احکام اسلام، از مکاتب کفر و الحاد تبعیت، و از مشرکان و اهل فسق و فجور تقلید کرده اند.

هنگامی که مأموران دوزخ علت آمدن آنها را جویا می شوند، گویند: اگر ما گوش شنوا می داشتیم، و یا عقل خود را بکار می گرفتیم، هرگز از زمره ی دوزخیان نمی گشتیم...

۷- هاویه: این طبقه به کسانی اختصاص دارد که بخدا و روز آخرت ایمان داشته اند، اما به سبب سهل انگاری و ضعف ایمان، کمتر در فکر تدارک توشه سفر آخرت خود بوده اند. به همین سبب از رسیدن به سرمنزل سعادت باز می مانند و راهی دوزخ می شوند تا توان سهل انگاریهای خود را بپردازند.

آتش، کسانی از آنها را تا قوزک پا فرا گرفته و کسانی را تا زانوها و کسانی را تا کمر و کسانی را تا گردن و کسانی را تا گلوگاه آتش فرا گرفته است.

اوصاف دوزخ

پیامبر(ص) درباره ی ضخامت دیوارهای دوزخ فرمود: اطراف دوزخ چهار دیوار محکم و ضخیم کشیده شده است که ضخامت هرلایه دیوار آن مسافت چهل سال راه است. و به اندازه ی مسافت هفتاد سال راه، عمق دارد.

در دوزخ صداهای وحشتناک و زندانهای تنگ و تاریکی وجود دارد و آن صداها چنان آزار دهنده اند که چون اهل دوزخ آنرا هر لحظه می شنوند ، آرزوی مرگ خود را برند اما برای آنها مرگی نخواهد بود .

فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر و زورمند و توانا هستند . از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند . و همان چیزی را انجام میدهند که بدان مأمور هستند .

اوصاف اهل دوزخ

- احساس تشنگی شدید دائمی : گناهکاران راتشنه کام به سوی جهنم می رانیم . مریم/ ۸۶

- عدم مرگ : آن کسی که داخل عظیم ترین آتش خواهد شد و بدان خواهد سوخت . سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده (شمرده) می شود . الاعلی / ۱۳-۱۲

- پوست جدید : هنگامی که پوست بدن اهل دوزخ در اثر حرارت ذوب میشود چون عصبها هم از بین می روند ، دیگر فرد احساس درد نمی نماید ، اما بلافاصله پوست جدید دیگری رویانده می شود.

- شکل و قیافه ی زشت : شعله های آتش دوزخ صورتهای ایشان را فرا می گیرد ، بر اثر شدت حرارت آتش ، لب زبرین برگردانده شده و

تا وسط سرش می رسد و لب زیرین آویزان شده و تا نافش را فرا می گیرد .

- لباسهای اهل دوزخ : کسانی که کافرند جامه هایی از آتش برای آنها بریده (و دوخته) شده است (علاوه بر آن) از بالای سرهایشان (برآنان) آب بسیار گرم و سوزان ریخته می شود .

- غل و زنجیر دوزخیان : (خداوند به فرشتگان امر می کند :) او را بگیرد و به غل و بند و زنجیرش کشید . سپس او را به دوزخ بیندازید . ..الحاقه/۳۲-۳۰

- تنبیه با گرزهای آهنین : و تازیانه هایی از آهن برای (سرکوبی) ایشان است . هر زمان که دوزخیان بخواهند خویشتن را از غم و اندوه عظیم آتش برهانند ، بدان برگردانده شوند و (بدیشان گفته شود) عذاب سوزان را بچشید... حج/۳۱

- کمترین عذاب دوزخ : کمترین و خفیف ترین عذاب اهل دوزخ در روز قیامت ، عذاب کسی است که در زیر پاهایش دو آتشدان قرار داده اند که در اثر آن مغز سرش در حال غلیان است .

- آرزوهای دوزخیان : روزی (را خاطر نشان ساز که) چهره های ایشان در آتش زیر و رو و دگرگون می گردد و می گویند : ای کاش ما از خدا و پیغمبرفرمان می بردیم . احزاب/۶۶

پروردگارا! بیرونمان بیاور تا کارهای شایسته ای انجام دهیم که جدای از کارهایی باشد که قبلاً می کردیم . فاطر/۳۷

- در پاسخ به آنها گفته می شود : آیا به شما بدان اندازه عمر ندادیم که در آن هر کس که بخواهد بیدار و هوشیار شود ، کافی و بسنده باشد ؟ و آیا بیم دهنده (پیامبران و تبلیغ کنندگان دین) به پیش شما نیامد؟ پس بچشید ، اصلاً برای ستمگران یار و یآوری نیست . فاطر/۳۷

غذا و نوشیدنی های اهل دوزخ

۱- زقوم : و قطعاً درخت زقوم ، خوراک گناهکاران است . همچون فلز گداخته در شکمها می جوشد . جوششی همچون آب گرم و داغ .
واقعه/۵۴-۵۲

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در مورد زقوم فرمود : همانا اگر قطره ای از زقوم بر کره زمین فرو افتد ، زندگی را بر اهل زمین ناگوار می نماید . پس باید چگونه باشد حال کسی که غذایش از آن است .

۲- ضریع (میوه خاردار) ۳- غسلین (خونابه ، چرک و کثافات)
۴- صدید (آبی متعفن) ۵- حمیم (آبی داغ و سوزان)
پیامبر (ص) درباره ی حمیم فرمود : همانا حمیم آبی است جوشان و سوزان که بر فرق سر دوزخیان ریخته می شود و به درون

بدنشان نفوذ می کند و هر آنچه در شکم دارند ، پاره پاره و ذوب می کند و از دُبرش بیرون می ریزد و دوباره برگردانده می شود . (و باز آب جوشان بر فرقشان ریخته می شود ...) .

گفتگوی اهل بهشت و جهنم

بهشتیان دوزخیان را ندا می دهند که ما آنچه را پروردگاران به ما وعده داده بود همه را حق یافته ایم ، آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافته اید؟ می گویند: بلی ! ندا دهنده ای در میانشان ندا در می دهد که نفرین خدا بر ستمگران باد.

اهل دوزخ فرصت را غنیمت شمرده و امیدوارانه ادامه می دهند : دوزخیان ، بهشتیان را صدا می زنند که مقداری از آب یا چیزهایی که خداوند قسمت شما فرموده است به ما عطا کنید ، بهشتیان می گویند : خداوند آب و نعمت های بهشت را بر کافران قدغن کرده است .

کافران چون از بهشتیان نا امید می شوند و به یقین می دانند که صبر و بیقراری هر دو برای آنان یکسان است و راه خلاصی برای آنها نیست ، دست حسرت به دندان گزیده و گویند : ای کاش خدا و پیامبرش را اطاعت می کردیم (تا این چنین گرفتار نمی شدیم)

استغاثه و استمداد اهل دوزخ

اهل دوزخ هنگامی که بشدت احساس گرسنگی می نمایند ، درخواست طعام می کنند . مأموران هم از زقوم و ضریع به آنها می خوراندند که به سختی آنها را عذاب می دهد . به یاد می آورند که در دنیا هنگام غلبه غم و اندوه به می و شراب پناه می بردند ، پس درخواست شراب می کنند . به آنها حمیم و غسلین نوشانده می شود که تمام روده هایشان را می گدازد ... و چون از بخشش بهشتیان نا امید می شوند و از عذاب دوزخ به تنگ می آیند ، سوی مأموران دوزخ رفته و ذلیلانه گویند : شما از پروردگارتان درخواست کنید که یک روز عذاب را از ما بردارد .

مأموران هم گویند : آیا پیغمبران شما آیه های روشن و دلایل آشکاری را برای شما نمی آوردند ؟

گویند: بلی ، (فرشتگان) می گویند : پس خودتان درخواست کنید ، ولی درخواست کافران (بی فایده است و) جز سردرگمی نتیجه ای ندارد .

بعد از نا امیدی از مأموران ، مالک ، رئیس و مدیر دوزخ ، را طلب می کنند و ذلیلانه به او می گویند : ای مالک پروردگارت ما را بمیراند و نابود کند .

مالک در جواب گوید : شما (اینجا) می مانید (و مرگ و نابودی در کار نیست) .

دوزخیان بعد از نا امیدی از همگان با خود گویند : چرا پروردگاران را که خالق و قادر و ارحم الراحمین است یاد نکنیم؟ برآستی که ما بسیار ستمکار بوده ایم که در دنیا هر گز خداوند را یاد نکرده ایم ، حال وقت آن رسیده است که او را یاد کرده و به او پناه ببریم . پس با شرم و خجلت گویند پروردگارا ! بدبختی ها (که ناشی از انجام معاصی بود) بر ما چیره گشته بود ، و ما مردمان گمراهی بودیم . پروردگارا ! ما را از آتش دوزخ بیرون بیاور و اگر (بعد از این به کفر و عصیان) برگشتیم ما ستمگر خواهیم بود (و مستحق هر گونه عذابی)...

خداوند خطاب به آنها گوید : مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما آنها را دروغ می نامیدید؟

بتمرگید در آن ! و با من سخن مگوئید. (مگر فراموش کرده اید در دنیا) گروهی از بندگان من می گفتند : پروردگارا ! ایمان آورده ایم پس ما را ببخش و به ما رحم بفرما ، و تو بهترین رحم کنندگان هستی . شما ایشان را به باد تمسخر می گرفتید ، تا آنجا که سرگرم شدن به تمسخر ایشان ، ذکر و عبادت مرا از یادتان برده بود ، و کارتان همیشه خندیدن بدانان بود و بس . مؤمنون / ۱۱۰-۱۰۵

از آتش دوزخ و خشم و غضب الهی پناه می بریم به پروردگار
عالمیان .

خاتمه

در خاتمه خواننده ی گرامی را به باور راستین به آخرت ،
تدارک زاد و توشه ی بهتر و بیشتر ، تفکر درباره ی مرگ و تدبیر در
آیات زیر توصیه می نمائیم :

(از قول خدا به مردمان) بگو : ای بندگانم ، ای آنانکه در نافرمانی
زیاده روی هم کرده اید از لطف و مرحمت خدا مأیوس و نا امید
نگردید . قطعاً خداوند همه ی گناهان را می آمرزد . چرا که او
بسیار آمرزگار و بس مهربان است . زمر / ۵۳

هر کس که کار بدی بکند یا (با ارتکاب معاصی) بر خود ستم
کند ، سپس از خدا آمرزش بطلبد ، (از آنجا که درگاه توبه همیشه
باز است) خدا را آمرزنده ی (گناهان خویش و) مهربان (در حق
خود) خواهد یافت . نساء / ۱۱۰

خداوند متعال فرماید :

بر بنده ام دو ترس (هم در دنیا و هم در آخرت) و دو امنیت
(هم در دنیا و هم در آخرت) مقرر نداشته ام . پس اگر در دنیا
(نسبت به دستورات من) بی پروا بوده باشد ، در آخرت در ترس

(و عذابش) خواهیم افکند . و اگر در دنیا (از محاکمه و محاسبه
اخروی) در بیم و هراس بوده باشد، در آخرت او را در آرامش و
امنیت قرار می دهیم .

ما نصیحت بجای خود کرده ایم

روزگاری در این سر بردیم

گر نیاید بگوش رغبت کس

بر رسولان پیام باشد و بس

« رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ »

منابع و مأخذ

تفسير نور	دکتر خرم دل
تاج الاصول وسائر کتب حديث	احاديث نبوی
احياء علوم الدين	امام محمد غزالي
دورنمای رستاخيز جهان	سيد قطب
عقيده الاسلاميه	حبنکه ميدانی
روح الدين الاسلامی	طبّاره
مبادی اسلام و فلسفه احکام	امام مودودی
اليوم الاخر في ظلال القرآن	احمد فائز
ماذا بعد الموت	شاكر عبد الجبار
يوم القيامة	عبدالرزاق نوفل
القيامة رأى العين	محمد محمود الصّواف
تعاليم اسلام	علامه طنطاوى